آستان قدس

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

اسم کتاب: انشاء جدید

مصنف / مؤلف: میرزا مهدی خان [illegible] منشی‌زاده

خطی / چاپی: طهران ۱۳۴۱ خ

سال چاپ یا تحریر .... عدد اوراق ....

جزء کتب: ۱ ج .... شماره خصوصی ....

شماره عمومی: ۲۸۳۱۱ .... شماره قبض ....

واقف .... تاریخ وقف ....

طول .... عرض .... شماره صفحات ....

٥٦٠٩
۸۰۸۱۰٤ خ
۱۲۹۲

هو العزیز

انشاء جدید

نتایج افکار و آثار خامهٔ

میرزا مهدیخان دبیر خاقان

چاپ نهم

حق طبع محفوظ

و مخصوص است بمدیر کتابخانهٔ ادب

طهران سنهٔ ۱۳۴۵

شماره ثبت موقت ۲۸۷۹
تاریخ

دیباچه

بسم الله الرحمن الرحیم

پس از حمد و ستایش و مدح و نیایش خداوند و درود نامعدود بر پیغمبر محمود محمد بن عبدالله صلوات الله علیه و علی آله الابرار و صحابه الاخیار بعرض پیشگاه خاطر ارباب فطانت و اصحاب ذوق و ذکاوت میرساند که این بنده قلیل البضاعه مهدی منشی ملقب به دبیر خاقان و متخلص به بینش در چندی قبل محض خدمت بعالم انسانیت و دایره معارف با بضاعت مزجاه و فنی صرف و بر سبیل ایجاز و اختصار با عبارتی ساده و خالی از پیرایه بدون حشو و زواید رساله در مراسلات پرداخته و موسوم بانشاء جدید نموده بحلیه طبع در آورده و مشهور و منتشر شد و تا یک درجه مطبوع و مقبول طباع گردید خصوصا در مدارس که جزو دروس کلاسیکی قرار داده شد. چون خیلی مختصر بود چنانکه باید و شاید استفاده و حظ کامل از مطالعه آن

حاصل نمیشد لهذا اقدام در تألیف جلد ثانی آن بطور شروح نموده و از هر قبیل مراسلات از فرامین و احکام و نوشتجات اداری و مراسلات خصوصی مطابق تفصیل ذیل در آن درج و در تصنیف و تدوین آن نقد عمر گرانمایه را خرج نموده که همه کس علی قدر مراتبهم از او بهره مند و برخوردار شوند

امید است که این جزئی خدمت موقع قبول یافته بعز استحسان مشرف شود و از دانشمندان نکته سنج بزرگ استدعا دارد که اگر در این رساله عبارات سست یا نحوی نادرست مشاهده شود بعین اغماض اغراض نمایند و با دیده شفقت در او نگریسته جامه فتوت بپوشند

و بر هتک عیوب او نکوشند

که المعصوم من عصمه الله

فهرست مندرجات کتاب

مندرجات این رساله محتوی است بر دو اصل و هر اصلی متضمن چند فصل

اصل اول — در نوشتجات از قبیل نصایح و دعوات و تبریکات و مراسلات دوستانه وغیره مبنی بر شش فصل — ص

فصل اول — راجع بعناوین و القاب داخله و خارجه — ۶

فصل دوم — راجع بانواع مراسلات مدارس — ۱۲

فصل سوم — راجع بمراسلات اخلاقی و نصایح — ۳۷

فصل چهارم — راجع بانواع مراسلات تبریکات — ۴۷

فصل پنجم — راجع بمراسلات دعوات — ۵۴

فصل ششم — راجع بمراسلات متفرقه از هر قبیل که تصور شود — ۶۳

اصل دوم — در فرامین و احکام و مراسلات رسمیه ادارات وغیره مبنی بر سه فصل

فصل اول — در انواع فرامین — ۱۰۲

فصل دوم — در انواع احکام دولتی — ۱۰۸

فصل سوم — در انواع مراسلات رسمیه ادارات — ۱۱[illegible]

اخطار

چون در جلد اول القاب سلاطین دول خارجه و مأمورین آنان نوشته شده و تا یک اندازه مستعملین را لازم بود لهذا مختصری از آن القاب و عناوین در آخر فصل اول از اصل اول نگاشته شد

فصل اول – از اصل اول – راجع بعناوین و القاب

عنوان – شاه، عموماً نوشته میشود اعلیحضرت همایون

قربان خاکپای جواهرآسای انور اقدس همایونت شوم

القاب – در عریضه... بندگان اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه

عنوان – علماء اعلام نسبت بپادشاه

بشرف عرض مقدس بندگان اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایون ملوکانه خلد الله ملکه برساند

عنوان – ولیعهد ...... قربان خاکپای مبارکت شوم

القاب – در عریضه... بندگان حضرت اقدس ارفع اعظم والا روحی فداه

عنوان – اخوان پادشاه و سایر شاهزادگان بزرگ از قبیل عموهای اعلیحضرت شاه که

دارای مقام و حیثیت در خدمت دولت میباشند

قربان – ما – تصدق حضور انورت شوم

القاب – در عریضه.. حضرت اشرف امجد ارفع والا دامت شوکته

عنوان – نایب السلطنه ... مقام منیع موقف رفیع نیابت سلطنت عظمی دامت عظمته

القاب – در عریضه ... والاحضرت اقدس دامت عظمته

عنوان – رئیس الوزراء ... مقام منیع رفیع ریاست الوزراء دامت عظمته

القاب – در عریضه ... حضرت اشرف اعظم والا اگر شاهزاده باشند دامت عظمته

سایر وزراء بطرق ذیل نوشته میشود

عنوان – مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته همچنین سایر وزارتخانه‌ها

القاب – حضرت مستطاب ارفع عالی دامت شوکته

روسای محترم ادارات دولتی منشعب از وزارتخانه‌ها از قبیل رئیس اداره نظمیه و بلدیه و عشیره و غیره

عنوان – مقام محترم ریاست اداره فلان   القاب – جناب مستطاب عالی – یا حضرت عالی

امراء عظام و معاونین محترم وزارتخانه‌ها و مستوفیان درجه اول و حکام ولایات

عنوان – قربان حضور مبارکت شوم   القاب – جناب مستطاب عالی

عنوان – درجه دوم ... تصدقت شوم   القاب – جناب اجل عالی

متوسّطین متصدّیان امور دولتی

عنوان — قربانت شوم   القاب — جناب عالی

عنوان — پدر قربان حضور مبارکت شوم — یا پدر بزرگوار تصدّقت شوم القاب — حضرت عالی

عنوان — مادر تصدّقت گردم — قربانت شوم   القاب — سرکار علیه

عنوان — برادر اگر بزرگتر باشد — تصدّقت شوم یا قربانت گردم القاب — جناب عالی

اگر کوچکتر باشد ... قربانت شوم   یا گرامی برادر مهربان من

عنوان — خواهر ... همشیره محترمه گرامی قربانت شوم — یا قربانت گردم

عنوان — پسر یا دختر نسبت بفرزند ... فرزند گرامی مهربان

عنوان — جدّ و جدّه نسبت بنواده خود ... نور چشم عزیزا

عنوان — خوانین معظمه از قبیل خواتین حرم جلالت بنات و عمّات و خالات و اخوات سلطان عظمی

بشرف عرض عالی میرساند حضرت مستطاب علیه عالیه سرکار فلانه دامت شوکتها

القاب — حضرت مستطاب علیه

عنوان — درجه دوم شاهزاده خانمها و خواتین اعیان

بعرض حضور مبارک نواب علیه عالیه میرساند اگر شاهزاده باشد والا سرکار علیه عالیه دامت عزتها

عنوان — زنهای متوسطه — عرض میشود   القاب — سرکار علیه دامت عصمتها

عنوان — عمو و دائی و بزرگترهای فامیل و خانواده. علی مراتبهم

تصدّقت گردم   یا قربانت شوم

عنوان — مجلس شورای ملی — مقام منیع مجلس مقدس شورای ملی شیّد الله ارکانه

عنوان — مجتهدین درجه اول ... بشرف عرض مقدس عالی میرساند

القاب — حضرت مستطاب شریعتمدار ملاذ الاسلام آیة الله فی العالمین متع الله المسلمین بطول بقائه

مجتهدین درجه دوم   عنوان — بشرف عرض عالی میرساند

القاب — حضرت مستطاب شریعتمدار ملاذ الانام حجة الاسلام دامت برکاته العالی

درجه سوم — علماء قریب الاجتهاد و پیشنمازهای محلی و مدرّسین — بعرض عالی میرساند

القاب — جناب مستطاب شریعتمدار ثقة الاسلام دامت افاداته

متوطنین متصدیان امور دولتی

عنوان — قربانت شوم القاب — جناب عالی

عنوان — پدر قربان حضور مبارکت شوم — یا خداوندگارا تصدقت شوم القاب — حضرت عالی

عنوان — مادر تصدقت گردم — قربانت شوم القاب — سرکار علیه

عنوان — برادر اگر بزرگتر باشد — تصدقت شوم یا قربانت گردم القاب — جناب عالی

اگر کوچکتر باشد ... قربانت شوم یا گرامی برادر مهربان من

عنوان — خواهر ... همشیره محترمه گرامی قربانت شوم — یا قربانت گردم

عنوان — پدر یا مادر نسبت بفرزند ... فرزند گرامی مهربان

عنوان — جد و جده نسبت بنواده خود ... نور چشم عزیزا

عنوان — خوانین معظمه از قبیل خوانین حرم جلالت بنات و عمات و خالات و اخوات سلطنت عظمی

بشرف عرض ملازمان حضرت مستطاب علیه عالیه سرکار فلان دامت شوکتها

القاب — حضرت مستطاب علیه

عنوان — درجه دوم شاهزاده خانمها و خوانین اعیان

بعرض حضور ملازمان نواب علیه عالیه میرساند اگر شاهزاده باشد والا سرکار علیه عالیه دامت عزتها

عنوان — زنهای متوسطه — عرض میشود القاب — سرکار علیه دامت عصمتها

عنوان — عمو و دائی و بزرگترهای فامیلی و خانواده. علی قدر مراتبهم

تصدقت گردم یا قربانت شوم

عنوان — مجلس شورای ملی — مقام منیع مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه

عنوان — مجتهدین درجه اول ... بشرف عرض مقدس عالی میرساند

القاب — حضرت مستطاب شریعتمدار ملاذ الانام آیة الله متع الله المسلمین بطول بقائه

مجتهدین درجه دوم عنوان — بشرف عرض عالی میرساند

القاب — حضرت مستطاب شریعتمدار ملاذ الانام حجة الاسلام دامت برکاته العالی

درجه سوم — علماء قریب الاجتهاد و پیشنمازهای محترم و مدرسین — بعرض عالی میرساند

القاب — جناب مستطاب شریعتمدار ثقة الاسلام دامت افاداته

درجه چهارم — وکلاء و محترمین دوائر شرعیه و متوسطین از اهل علم

عنوان — عوض همه القاب — جناب فضایل مآب ملا دام افضاله

طبقات تجار — درجه اول

عنوان — جناب مستطاب عمدة الاعیان والاشراف افتخار الحاج فلان دام اقباله

درجه دوم عنوان — جناب مستطاب عمدة التجار فخر الحاج دام مجده

درجه سوم عنوان — جناب فخامت نصاب عمدة التجار زید عزه

درجه چهارم که عبارت از کسبه و غیره باشد علی قدر مراتبهم — عالیجناب — عالیجاه از این قبیل

القاب ارباب مناصب نظامی

سرداران عظام — جناب مستطاب اجل افخم اسم عالی امیر تومان — جناب مستطاب اجل امیر الامراء العظام

دام اقباله امیر پنجه — جناب امیر الامراء العظام دام اقباله

سرتیپ اول — عمدة الامراء العظام دام مجده العالی سرهنگ — معتمد السلطان

سلطان — مقرب الخاقان نایب اول — مقرب الحضرة الخاقان

القاب مردمان متوسط علی قدر مراتبهم از قبیل نواب فراشباشی یا غلامان کشیکخانه و غیره

معتمد السلطان — مؤتمن السلطان — مقرب الخاقان — مقرب الحضرة

کدخدایان و مباشرین املاک — عالیجاه مجدت و نجدت همراه

از طرف وزارتخانه ها بافراد مردم بدون رعایت عنوان و القاب با تقدم لفظ آقا

اسم مخاطب نوشته میشود

عنوان — مراسلات دوستانه با رعایت مقام طرف

تصدقت شوم یا قربانت شوم یا فدایت شوم

عنوان زن بشوهر صاحب اختیار را یا بطریق خصوصیت و اظهار کمال محبت تصدقت شوم

القاب سلاطین دول خارجه و مأمورین آنان

اعلیحضرت قوی شوکت سلطان البرین و خاقان البحرین شاهنشاه اسلام پناه سلطان محمد خان

پادشاه کل ممالک عثمانیه ایده الله جیشه

اعلیحضرت قوی شوکت گردون بسطت امپراطور کل ممالک وسیعه روسیه

اعلیحضرت فلک رفعت امپراطور کل ممالک انگلستان و هندوستان است

سایر سلاطین خارجه بتفصیل فوق اعلیحضرت خطاب میشوند

عنوان — سفراء و قناسل

سفیر عثمانی — جناب مستطاب اجل امجد افخم امنع عالی . . . سفیر کبیر دولت علیه عثمانیه دام اقباله

قونسول — جناب مستطاب اجل . . قونسول دولت علیه عثمانی دام اقباله

نماینده دولت روس

جناب مستطاب اجل افخم . . . سفیر محترم دولت بهیه روسیه دام اجلاله

قونسول — جناب جلالتمآب اجل

نماینده دولت انگلیس

جناب مستطاب اجل اشم امنع . . . سفیر محترم دولت فخیمه انگلیس دام اجلاله

سایر سفراء و وزراء مختار دول خارجه و قناسل آنها تقریباً بهمین القاب در مکاتبات خطاب میشوند

چند نقطه که بعد از القاب رسم شده بجای اسامی درینجاها مرقوم و بجای نقطه اسامی نوشته میشود

فصل دوم — از اصل اول

راجع بمراسلات مدارس از ذکور و اناث

کاغذیست که معلم بمتعلم مینویسد

نور چشم مکرم آقای میرزا احمد خان ایده الله تعالی   دیروز جناب مستطاب ابوی بزرگوارتان شرحی در شکایت از سوء اخلاق و پاره از حرکات نامطبوع شما بجناب مرقوم فرموده بعد خواستم در میان امثال و اقران شما عین کاغذ را قرائت و آنها را از ردائت اخلاق و اطوار آگاه نمایم تا موجب توبیخ و ملامت آنها گردیده باز رعایت حفظ رتبه و شرافت شما را لازم دانسته در آن موقع مسکوت عنه گذاشتم حالا لازم شمردم بطور نصیحت شرحی بشما نگارش دهم که اگر حس انسانیت در شما باشد و طالب خیر دنیا و آخرت هستید خواهید پذیرفت والا مصداق خسر الدنیا و الآخرة را در حق خود ثابت گردانید

احترام شما نسبت به پدر و مادر برادر بهرجهت لازم است که همه زحمات مبالغی آنها برای خاطر شما است و بطوری که درست نمایند پس شما آنها را همیشه باید از صمیم قلب دوست داشته و محترم شمرده بطوری که بدون

اطاعت نکند و رضایت خاطر ایشان را منظور ندارد دلیل بر آنست که برادر و خواهر خود را
دوست ندارد والّا برای خشنود ساختن آنها تمام وقت و اهتمام خود را مصروف میداشت و چنین
هر کس که این تکلیف مقدس را ایفا ننماید در واقع پس حق ناشناس است علاوه بر گفته ما
حقوق شما را اطاعت پدر و مادر حکم میکند فایده شخصی شما نیز در آن است که رضایت
ایشان را بجان بجوئید از روی صدق و صفای کامل کار بندید و از اطاعتشان روگردان نباشید
زیرا که علاوه بر حقوق درجه بزرگی من حیث التجربه بر شما دارند و رتبه محبت آنها نسبت بشما
بی نهایت است   باقی ایام عزتش مستدام

رقعهٔ متعلم به پدر یا مادر

بشرف عرض عالی میرساند   اولاً با کمال عقیدت و خلوص نیت مراتب تشکرات عمیقه
خود را از حسن تربیت و لطف و مساعدت جناب مستطاب عالی تقدیم میداریم زیرا که اگر غیر
از این طور بود در این مدت قلیل تا این درجه برای بنده ترقی و پیشرفت در تحصیل حاصل
نمیشد ثانیاً این بنده با کمال جرأتی که در ابراز استعداد و رغبتی که در تکمیل تحصیلات خود

دارم انتظار نداشتم که بنده را از زمرهٔ مستحقین و جوائز ممتحنین خارج و در این سنه از بعده خدمت
و استخفاف نظر فرمایند گمان نمیکنم که این بنده از هیچیک از مستحقین کمتر باشم حاضر
و متعهدم که در موقع امتحانات بعد چنان تحصیل و کفایت بیان از عهدهٔ جواب برآیم که از دوستی
تمجید بنده بشود در آنهم خود را اولی هر ساله که از آن بر و نیز دیگر نمایم امیدوارم که
از بنده و در این موقع صرف نظر نخواهید فرمود   باقی جسارت

رقعه ایست که یکی از دوستان در تمجید پسری بپدرش مینویسد

قربانت شوم   دیروز چون موقع امتحانات شاگردان مدرسه مبارکه فرهنگ بود این بنده نیز
بر حسب دعوت حاضر بودم شهد الله تعالی فرزند ارجمند گرامی جناب عالی آقای میرزا حسین خان
بحمد الله تعالی بقدری با انگیزه و مطلوب امتحان دادند که موجب تحیر و تحسین حضار گردیدند حقیقتاً میان
اینهمه شاگردان کمتر باین هوش و جودت و فهم و فراست بود از صمیم قلب بجناب عالی و از
این فرزند گرامی تبریک میگویم و امید دارم که با عمر طبیعی در ذیل تربیت و حمایت
جناب عالی بمقامات عالیه نائل شوند تحفه حقیر چیز ناقابلی بعنوان (هدیه) فرستادم

کمال شوق ایشان تمنا دارم از جانب بنده تقدیم فرمایند.

جواب

قبله گاها رقیمهٔ رفیعه متضمن تهنیه و تحسین از بنده زاده میرزا حسینی خان بود و قلمدانی را بعنوان هدیه التفات فرموده بودید زیارت شد مستغنی درجه از قبول این مرحمت ممنون شدم قلمدان مرحمتی را از جانب حضرت عالی بمشار الیه دادم و خواهش هم کرد که بخط خود عریضه نوشته و تشکرات خود را در جواب بحضرت عالی تقدیم نموده از شرف ملاحظهٔ حضرت عالی خواهد گذشت

عریضهٔ میرزا حسینی خان

مخدوما مرقومه که بخط مبارک روحی فداک نسبت باین بنده فرموده بودید بشرف زیارت آن مشرف و افتخار حاصل نمودم از حسن توجه حضرت عالی که با اینهمه منقصت ملاحظه فرموده بودید کمال امتنان و تشکر دارم و قلمدان مرحمتی را هم بسر و چشم گذاشته ممنون و متشکر شدم خداوند معارف پرور حضرت عالی را همواره با فر و شوکت و اقبال پاینده بدارد

رقعهٔ مدیر مدرسه بپدر یکی از شاگردان

بعرض عالی میرساند البته در نظر محترم حضرت عالی هست روزی که آقای بنده زاده را باین مدرسه تشریف آوردند درجهٔ تحصیلات و معلومات ایشان بچه اندازه بود و از عهدهٔ نوشتن خط فارسی بر نمی آمدند و حالا الحمد لله در ظرف این چند ماه بواسطهٔ دقت و حسن مراقبت اولیای مدرسه گذشته از اینکه فارسی را بخوبی میخوانند هیچ رقعه را غلط نمی نویسند و کتاب مشکلی را از خود بخوبی در کمال فصاحت و بلاغت ترجمه میکنند ایشان هم از حساب و جغرافیا و زبان فرانسه در کمال خوبی مستعد شده اند جناب عالی یک امتحانی از ایشان بعمل بیاورید تا درجه زحمت اولیای مدرسه مشهود گردد که وجه معتبری بمدرسه داده نشده بعد از این وجه معتبری گذشته را ادا فرموده و پس از این هم مرتباً برسانند که اسباب تصدیع خاطر محترم عالی فراهم نشود باقی ایام بکام.

جواب

عرض میشود مراسلهٔ شریفه راجع مراقبت و حسن تربیت اولیای مدرسه در حق بنده زاده

۲۸۳۲۲

میرزا محمود خان سلمه الله تعالی را حصول ترقیات او در تحصیل سبب وصول او خودداری شده قبل از
در پیش جناب مستطاب عالی اگر او را بموقع امتحان درآورده در جه مسئولات او نمره گرفته دیده بیش از پیش
از زحمات فوق العاده او نسبت به مدرسه خصوص توجه جناب عالی تشکر و امتنان دارم و امیدوارم
که در دوره تربیت جناب عالی عنقریب تحصیلات خود را تکمیل نموده از بابت ناخوداری و بی‌مبالاتی
مدرسه اشعار می‌فرمایید به کمال معذرت تقصیرات گذشته را انتقاد و پس از این هم طوری که مقتضا
و شئونات ایشان است رفتار نماید با کمال منت و تشکرگزاری تقدیم خواهم کرد والسلام

رقعه مدیر برای امتحان

بعرض عالی میرساند   پس از تقدیم مراتب ارادت و وظایف دعاگوئی تصدیع میدهد
چون امروز موقع امتحان متعلمین کلاس نهم و ششم است و آقازادگان جناب مستطاب عالی نیز
در این دو کلاس مشغول تحصیل هستند برحسب اقتضای حسن معارف پروری بحضور تشویق متعلمین و مزید
معلومات و میل مدرسه در ساعت سه بعد از ظهر با کمال تشریف قدوم ارزانی خواهید فرمود بر عموم مزید امتنان

رقعه یکی از شاگردان بهمکلاس خود

فرزند عزیزم   دیروز رفته بودم برای کاری اتفاقاً چنانکه بود که در سر درس حاضر بوده
آقای معلم از بنده علت غیبت سرکار را استفسار فرمودند بنده هم بر بی اطلاعی کردم بعد ملاقاتی با جناب
نمودند و من در میان شاگردان این کلاس کسی را که اینقدر اطمینان داشتم که زحمات مرا ابدا
بخواهد داد و مرا از رنجیده دیگر نخواهد کرد فقط سرکار عالی را خان خواهید بود زیرا که در بروز امتحان
در حاضر کردن دروس خود مراقبت و جدیت داشته هیچیک از شاگردان را کسی نداشتند بواسطه
اینکه از جودت و ذکاوت قبلاً از او راضی و خشنود بودم متأسفانه چندیست برخلاف انتظار آن جدیت و زرنگی
تبدیل به غفلت و سردی شده است بطوریکه با معاینه هر روزه مشهود میشود گردهای خیلی پست‌تر از او در زمره
درس جسته اند بیشتر اوقات تنبلی ایشان بواسطه امتداد غیبت سرکار است که در این چند روز تمام غایب
بودید و هر روز در نمرات مشق شدید حقیقة این سرزنش و نکوهش آقای معلم نسبت بجناب عالی اما اعوام
اگر کدورت ابدا ارادت و فقیر بشخص محترم شما دارم فوق العاده بر بنده سخت و ناگوار آمد بهیچ جه
برای شنیدن این بیانات شکایات آمیز حاضر نبودم لازم دیدم مراتب را خدمت شما عرضه بدارم
که برای کار هستم راضی نشوید که آقای معلم از اهمال سرکار در کار تحصیل رنجیده خاطر شده عنقریب ناچار

از بعضی عنوانات که سبب تضییع مراتب هر کاری باشد بشوند خوب است قدری جدیت در کار نمایید
و دور و بر اتفاقات صحبت جناب‌عالی مدرسه با شرفی خودتان فرمایم نشد محض خیر
خواهی تصدیع داد زیاده عرضی ندارم

جواب

فریفته شوم شرحی که محض دوستی و الطاف فوق العاده مبنی بر اولویت دیروز
و فرمایشات جناب معلم نسبت باین بنده مرقوم فرموده بودید زیارت شد اولاً از حسن
نیت و کمال تعهد و مودت سرکار را نهایت تشکر و امتنان دارم ثانیاً خود این بنده شهادت
دیگر این نعمت صحت فرمایشات آن معلم را در فضائل میدهم که مثل بنده بواسطهٔ گرفتاری‌های
خانوادگی چندیست از جدیت در امر تحصیلی باز مانده بطوری که انتظار ایشان بوده است حاضر
در کار نبوده‌ام خودم هم جداً همیشه متنبه و متألم خاصه در انظار شرمگین گردانیده و ممکن است
از حالا بر خود محترم کردم که خود را از کار خانوادگی به دیگری تفویض نمایم و از هر کس را مکلف
و آب رفته را بجوی باز آورم زیاده زحمتی ندارم

رقعهٔ پدر بمعلم معظم

عرض می‌شود پس از ادای وظایف[1] اخلاصمندی تصدیع میدهد دیروز جمعی از محترمین
در این بنده منزل تشریف داشتند برای تفریح دیگر زاییده آن وقت بنده‌زاده را
بموقع امتحان در آورد در حقیقت بهمه سؤالاتی که از او فرموده بودند بدون اندیشه و تعمق در کمال خوبی از
عهدهٔ جواب برآمد مخصوصاً مهارتش در فن ترجمهٔ فارسی بعضی از انسه فقرات بخرج داد که
خیلی موقع تحسین واقع گردید فقط این بنده را خوشوقت[2] و ممنون است ولی در حقیقت
این امتنان را از جناب‌عالی دارم که در حسن تربیت و مراقبت از تحصیلات او
مضایقه نمیفرمایید برای ظهور[3] امتنان خود یک توپ عبای نائینی تقدیم نمودم امیدوارم
از قبولش ممنون و مشعوفم خواهید فرمود ایام سعادت مستدام

جواب

بعرض میرساند ملاطفت نامهٔ جناب‌عالی که متضمن اظهار رضامندی از حسن تربیت و اقدامات
مجدانه از این بنده درباره آقازاده بود زیارت شد بمراتب تشکر و امتنانات قلبیه

۱- جمع وظیفه ۲- خوشحال بودن ۳- اظهار هنر و دانش

این بنده افسرده و حس انسانیت و وجدان بسته برای ادای وظایف و تکالیف محترمی را
که بعهده گرفته اند از هر محرک و مشوقی افسرده و ناامید وا میگذارد که آنی این بنده از وظایف خود
غفلت ورزد و بعلاوه ماشاءالله آقازاده جناب عالی هم بواسطهٔ جودت و ذکاوت فوق العاده دقیقه
از تحصیل غفلت نکرده و دروس خود را بخوبی حاضر میکند و بعلاوه در تحصیل اخلاق خود نیز سعی بلیغی دارد
کلیهٔ اطوار و افعال او پسندیده و مطلوب باشد خیلی بموقع است که ترک آن را از او سرزنده که موجب
ملامت شود آنقدر که حضرت عالی از آن فرزند با بصره سعادتمندی بعنایت و خوشوقتی دارند وجدان
بنده خوشوقت و ممنونم و امید دارم که در سایهٔ هماوارهٔ جناب عالی به مقامات عالیه نایل و فایز گردد
عبای رحمتی را زیب و برش و آغوش خود نموده تشکرات صمیمانه را تقدیم میدارم

صورت خطابه ایست که بعد از اختتام مجلس امتحان یکی از متعلمین بصوت جلی قرائت مینماید

پس از عرض تبریک و تهنیت از طرف خود و سایر متعلمان خاطر محترم حضار مجلس را بعرض اعلی
متوجه و جلب نموده جسارت میورزیم امروز بایستی خود را نیکبخت شماریم که در این روز فرخنده و در چنین انجمن

۱- شوق آورنده ۲- پرورش ۳- نور چشم ۴- بهره ور ۵- ربودن

محترمی هستیم و شرف چنین مجلس مبارکی را ادراک کرده ایم خدای متعال را منت میبریم که این
آوان سعادت اقتران در سایهٔ هماوارهٔ دولت رابطه ستارهٔ ترقی از افق معرفت درخشیدن
گرفت و اقبال ایرانیان رو به بلندی نهاده و گلبن معارف را نسیم شکفتگی دمیده و نهال جهالت را
هنگام پژمردگی رسیده متعلمان دانش پژوه در این روز سعادت بروز چگونه مسعود الحال و مسرور
البال نشویم و چنین بر خود ننازیم و سر افتخار در میان همگنان بنفرازیم که حضرت مستطاب اجل آقای وزیر
علوم و معارف دام اقباله العالی همای کارآگه جلالت بر کاشانهٔ دلهای ما انداخته و بنور قدوم شرافت
لزوم خویش فضای خاطر ما را رشک بهشت برین ساخته اند الحق تشکر این نعمت عظمی و سپاس
این موهبت کبری از حوصلهٔ زبان بیرون است و از قدرت کلک بیان ما افزون پس برماست
که زبان بعجز بستی و نیازگشائیم و از در سپاسداری درآئیم از یمن همت و اقدامات معارف پرور آن
اعضای ارجمند و ذوات غیرتمند است که هیچگونه منظوری مقصودی بجز ترتیبات ابنای وطن و تربیت فرزندان
ملت نداشته و ما نوباوگان را از آغاز عنفوان جوانی و ریعان شباب با کتاب و فنون و اقطاب علوم
و تحصیل معرفت گماشته اند که هرگونه افتخارات و شرافت حاصل نموده عمر عزیز مان را بیهوده و لهو و لعب

۱- درخت تازه کشته شده ۲- همقطاران ۳- بگشائیم ۴- جمع ذات ۵- بازی

نگذرانیم اکنون که بهمت والا نهمت اولیای خود از هر جهت رفاه حال و فراغ بال میسر و موجود است

چه سعادتمند خواهیم بود اگر چنین فرصت را غنیمت شمرده در تحصیل هنر و فضیلت اهتمام کنیم تا از همگنان

بربائیم این بزرگان غیرتمند را با سایر بار لت از کردار و اطوار مرغوب خویش خشنود و خرسند داریم

و سعی ایشان را بی نتیجه نگذاریم و از هر کار که موجب نارضایتی است بپرهیزیم و بر آنچه دارای تحسین و

مکافات است بپردازیم باری چون از عهده تشکر اینهمه الطاف کریمانه و عنایات بالانهایت بر

نمی آئیم همان بهتر که دست دعا گشائیم خداوند تقدس و تعالی هموطنان محترم ما را از نیات مقدسی

خیریه خود موفق و درهای سعادت را بر چهره آمال و آرزوی آنها مفتوح فرماید و عاقبت امور عموم

کار خیرخواهان ما را بهترسم را بخیریت و صلاحیت خاتمه دهد و این هموطنان نیک بین

و خیراندیش محترم کرم ما را از شر دشمنان محفوظ بدارد و وطن عزیز ما را از گزند و دستبرد اجانب

و آسیب بداندیشان نگاه دارد بحق محمد و آله

رقعهٔ یکی از متعلمات بمدیره

خدمت سرکار علیه مدیرهٔ محترمه مدرسه مبارکه . . . . . دامت عزتها زحمت عرض میدهد

۱- پیشی جستن ۲- جزا دادن بدکاران

فرزندی عشرت خانم حفظها الله تعالی را دیشب در خدمت عمزادگی آقا دایم آقا جان امتحان کردم

ماشاء الله از حسن توجه و التفات مخصوص سرکار علیه بسیار خوب از امتحان بیرون آمد تمام درسها را

خوب حاضر و در کمال خوبی آنچه را از او سؤال کردم جواب داد موجب تحسین آقا واقع

شد بنده و ایشان بهره از زحمات سرکار علیه امتنان داریم و امید است در تربیت

سرکار بهتر از این ترقی نماید فقط مختصر استدعائیکه دارم این است که در تهذیب اخلاق او

نیز بذل توجهی بفرمائید که یک قدری از سوء اخلاق او گله مندم زیاده تصدیع نمیدهد

خدمت سرکار خانم مدیره زیدت عفتها

عرض میشود فرزندی منیرة الملوک خانم دیشب اوقات را بر خود و بنده تلخ کرده بود جهت این بود

که در کمال اوقات تلخی و گریه و زاری اظهار میکرد که لوازم تحصیلات من غیر مرتب است هر چه باو

میگفتم که نواقص لوازم تحصیلیه خود را بنویس تا خریداری شود جواب میداد خانم مدیره او تقصیر گاهی میکرد

و تمنا دارم مخصوصاً در درس و مشق او را از کتاب و کاغذ و غیره آنچه را که فراموش فرموده اند حاضر

کنند صورتی مرقوم فرمائید به بنده خود او بفرستید تا خریداری شده رفع اوقات تلخی او و بنده بشود

۱- بدی ۲- اسباب ۳- کمی و نبودن اسباب

و نیز قدری او را تهدید فرمایند که بدخوئی و بداخلاقی را ترک نماید

رقعهٔ مدیرهٔ مدرسه بمادر یکی از متعلمات

بعرض میرساند با اینکه خاطر محترم سرکار علیه از مراقبت و حسن تربیت این بنده درباره خانم عزیزم گوهرتاج خانم حفظها الله تعالی مسبوق است و از ترقیات فوق‌العاده در درس ایشان نیز اطلاعات کامله دارند بنده نمیدانم چه باعث شده که چند ماه است از طرف سرکار علیه در ادای شهریهٔ ایشان تعلل و تأخیر میگذرد و خوب است بر مراتب قدردانی و حفظ شئون ایشان بیفزایند زحمات بنده در این چند ماهه گذشته را یکجا نقد مرحمت فرمایند و در آتیه نیز نگذارند که دیگر این تأخیر از سرکار علیه گردد در ارکان اساسی اصول مدرسه از رسیدن وجوه تغییر و تزلزل و فتوری واقع شده و بنده هم نتوانم از عهده وظایف مقرره خود برآیم البته این استدعای درویشانه خاطر سرکار علیه موقع قبول یافته محتاج بعرض و اظهار ثانوی نخواهد شد

رقعهٔ دعوت در امتحان مدرسهٔ نسوان

معروض میدارد البته بسمع شریف سرکار علیه عالیه رسیده است موعد امتحانات رسیده و چند روز است

۱- خوبه ۲- پرداختن و ادا نمودن ۳- اهمال کردن ۴- برای ۵- شکست

اقدام در امتحان شاگردان این مدرسه نموده است چون فردا موقع امتحان کلاسی است که نیز دختر خانم عزیزه مرتبه اول در آن مشغول تحصیل میباشند مستدعی است که فردا چهار بعد از ظهر با جمعی تشریف آورده شاگردانها را با سایر متعلقات و عزیزه است این بنده و تشریف قدوم ارزانی فرمایند تا در حضور معلومات آن خانم عزیزه و دیگران زحمات این بنده مشهود گردد زیاده زحمتی ندارد

مراسلهٔ یکی از مادرهای شاگردان

عرض میشود پس از اظهار مراتب اخلاصمندی و ارادت تصدیع میدهد حقیقة از سرکار علیه بواسطه مراقبتی که در درس و مشق فرزند عزیزم شمس الملوک خانم میشود کمال تشکر و امتنان را دارم چیزی که هست شاگردانها لابد احتیاج هم میدهد لذا یکی از تحصیلات واجبه نسوان خیاطی است در ایران خیاطی است که اگر زنی تمام محسنات و کمالات را دارا باشد همینکه خیاطی را از او بدون در حقیقت بر اندازه او در کمال ناقص میدانند در مدرسه که دستگاه خیاطی و صنعتی بکمال دارد متمنی است درس و مشق او را قدری کسر نمایند که اقلاً روزی دو ساعت مشغول خیاطی شود و اگر هم علاوه بر ماهانه برای آموختن علم خیاطی چیزی باید تقدیم شود معلوم فرمایند در اطاعت

۱- اطاق

۲- خواهش

آن چه عرض کردم ان شاء الله این هنر را دیرتر توجه سرکار نیز تکمیل شود زیاده جسارت است

مراسله

عرض میشود دیروز در منزل سرکار علیه عالیه همشیره دست خط ارتها مهمان بودم از جمله

دختر ایشان که بنام اختر الملوک خانم است بسیار خانم مودب و تربیت شده و هوشمندی است و در خانه

تحصیل میکند صحبت بمیان آمد حضرت بر حسب فرمایش خانم همشیره کتابهایش را نزد بنده آورد

و قرائت کرد دیدم چنانکه مقتضی تحصیلات امروزه است خوب تحصیل نکرده است قرائت تجدید و یعنی نخستین

از روی دقت از ترتیب تدریس و وضع تنظیم مدرسه سرکار علیه نمودم و شرایط ترغیب و تحریض

بنده رسیده کردم که درس خواندن خانم را در خانه موقوف و بمدرسه روانه فرمایند البته چون مشکل است

بمنزل بنده فرستاده او را با خانمهای عزیزان خانم خدمت سرکار روانه نمودم البته لازمه

توجه و التفات را نسبت بدرس و مشق و تربیت او مرعی خواهید داشت و بنده را از تعهد آنچه

که کرده ام خدمت خانم همشیره نزد ایشان سفید رو نمائید زیاده عرضی ندارم

خطابه مدیره مدرسه مشتمل است

۱- ۲- ادب شده ۳- رغبت دادن ۴- برانگیختن

ای خانمهای عزیز من البته میدانید در افتتاح تاسیس این مدرسه با این نظم و ترتیب فقط

از برای تحصیل چند کلمه آموختن خط فارسی نیست بلکه تحصیل مقصود و اولین مسئله تهذیب اخلاق است

و هر کس متخلق باخلاق حسنه نباشد ولو اینکه معلومات علمی او هم خیلی عالی باشد لهذا با آن شخص

در هیچ مورد نزد ارباب دعای محض است فرقی نخواهد داشت شخصی نیست بلکه مورد شفقت و ملامت دوست

و دشمن هم واقع خواهد شد زیرا که خواهند گفت این خانم چقدر بد شرف و بد اخلاق است با این همه تحصیلات

اخلاقش زشت و اطوارش ناپسند است البته آن عامی بی سواد بر این خانم تحصیل کرده برتری در حسن اخلاق

و تفضیل دارد چرا که از برای عند رشتی همان بی سوادی کافی است لیکن برای آدم تحصیل کرده بدخلقی زشت تر است

و نامطبوع باشد چقدر زشت و بد خواهد بود که ثلث عمر خود را ضایع نماید و موجب تحصیل خجالت

که بکوشید و بتمام ... در اخلاق خود را مهذب و پاکیزه کنید آدم خوش اخلاق همیشه

از عمر و زندگی خود برخوردار و بهره مند در نزد امثال و اقران متفخر و سربلند است

و دیگران هم بصحبت او خشنود و از او راضی و مسرورند این خوش اخلاقی در طایفه نسوان

یک اهمیت مخصوصی دارد زیرا که خانه از جهات است هر خانمی که خوش

۱- برپا نمودن ۲- خوب ۳- سرزنش ۴- برتری ۵- شماره

اخلاق و پسندیده و اطوار باشد ولو اینکه زیبائی رخسار و حسن بشره هم نداشته باشد شوهر خود را
بسحر خوش اخلاقی مسحور و بگفتار و کردار عاقلانه مفتون و مجذوب میکند بطوریکه جز او
دل بکس دیگر نخواهد بست و با غیر او نخواهد نشست و نیز اولادی که از او متولد میشود بواسطهٔ اخلاق
خوش سعادتمند خواهد شد چراکه در دامن تربیت این مادر خوش اخلاق نشو و نما نموده اخلاق حمیده فرا
که از مادر خود میشنود حرف آداب آموخته رفته رفته بمرور ایام قبل از اینکه طفل قادر بر رفتن
بمدرسه شود هم گفتارش معقولانه و هم رفتارش مؤدبانه خواهد بود ولابد چنین طفلی در مدرسه از اقران
خود زودتر تربیت میشود و بهتر ترقی مینماید و خوبتر بادراک مطالب اخلاقی موفق میگردد و بسیار
دیده و یا شنیده شده است پاره از خانمهای محترمه که در تناسب اعضا و زیبائی رشک ستاره و ماه بوده‌اند
ولی بواسطهٔ بداخلاقی و درشتخوئی چنان شوهرها از آنها متنفر و گریزان بوده‌اند که سر بصحرا
از مار مردم آزار و آن زن همیشه مهموم و مغموم و از زندگانی و بخت سیاه خود شاکی و نالان می
بوده است با داشتن تجمل و تمول روزگار را به بدترین وضعی صرف مینماید پس برای شما خیلی لازم است که
بکوشید و اخلاق خود را پسندیده و مطلوب نمائید و این کتب اخلاقی را که میخوانید صرف برای خواندن

۱- نخوت کشیدن ۲- فهمیدن ۳- نفرت

و وقت گذرانی نباشد اهتمام نمائید که مطالب آنرا فهمیده و در موقع آنرا بکار ببندید که
انشاءالله خوش اخلاق شده و پایه و ثمرهٔ آن عاید روزگار خودتان شود

رقعه بمدیرهٔ مدرسه

خدمت ذیشوکت محترمه خانم مدیرهٔ دام عزتها زحمت عرض میدهد چون بنده زاده جمیله خانم
حقیقتاً آنطور که ممنوع انس و الفت و مهر و محبتی نسبت بخانمهای همکلاسش خود دیده اگرچه چندی است
در خیال آن افتاده که از آنها دعوت مهمانی نماید حالا مصمم شده است که روز جمعه مجلس مهمانی را
تشکیل دهد با خود خانمها هم مذاکره کرده حضورشان را در آن مجلس باجازهٔ خانم والده‌شان
داشته لذا چون این بنده را رابطهٔ سابقهٔ معرفت و آشنائی با والدهٔ محترمهٔ آن خانمها نیز لازم است مستقیماً
دعوت نمایم بمناسبت اینکه هرکار نسبت باین خانمها اختیارات تامه دارید خواهش میکنم تا خودتان اجازه
بدهید تشریف بیاورند و نیز از والدهٔ محترمهٔ آنها استیذان حاصل فرمائید که دعوت روز جمعه
عصمت خانم را پذیرفته تشریف فرما شوند زیاده عرض ندارم

جواب

۱- خفا و ظاهر نمودن ۲- شناسائی ۳- طلب اجازه

معروض میدارد رقیمهٔ شریفه متضمن تقاضای دعوت جمعی از رفقای همکلاس خانم

عزیز عصمت خانم زیارت شد اگرچه بهتر بود این خانمها مانند مهمانانی که از بنده دارند

چنانچه هر یک از منازل همکلاس خود دعوت شوند و در دعوت بنده ورود و مجالست واقع

نخواهند شد ولی چون این خانمها منزل هیچیک از همکلاسهای خود دعوت نشده لهذا این اولین دعوت ایشان است

که از طرف سرکار علیه و عصمت خانم مرحمت شود لازم است که با اجازهٔ والدهٔ محترمشان باشد جمیع

خواهش سرکار علیه خادمه عروسه المنزل این چند نفر خانم محترم را مرتب را عرض نماید

در صورتیکه اجازه به بنده البته مشرف خواهند شد زیاده عرضی ندارم

رقعهٔ یکی از شاگردهای زنانه بهمکلاس خود

خانم و خواهر عزیزم قربانت شوم دیروز که غایب نبودی رفقای دیگری با جمعی بگردی

بیرون رفته بودند که برای تشریف بردن از سرکار علیه خانم بزرگ اذن و اجازه حاصل فرمایند

که روز جمعه آینده صبح بنده را سرافراز فرمایند هر دفعه است که میگویند از طرف سرکار در این باب

عنوان و اظهاری نشده و بنده را در رد و قبول این استدعا متحیر و بلاتکلیف گذاشته اید خوب بود

۱ـ جمع منزل

اگر سرکار علیه اجازه و وعده بفرموده اند بنده در تقلید متحیر نبوده که تکلیف خود را بدانم لهذا

این بی لطفی را از طرف سرکار انتظار نداشتم زیاده قربانت

جواب

خانم محترمهٔ من تصدقت شوم دستخط مهر نمط سرکار زیارت گردید از اینکه اظهار گله

فرموده بودید از جانب بنده قصوری نشده و چون چند روزگاری آقای ابوی کسالت داشتند از سرکار علیه

خانم جانم اجازه نخواسته بودم بنده هم شرفیاب شوم حقیقةً خجالت کشیدم شفاهاً عرض کنم که خانم بنده را

در شرفیابی مجاز نداشته اند حالا در جواب مرقومهٔ سرکار را از شرفیابی خود معذرت میخواهم انشاءالله

بعد از رفع کسالت و اعادهٔ صحت آقای ابوی اجازه حاصل کرده روز جمعه را مشرف خواهم شد زیاده

گرسنه را خواهشمند نمود

در تعریف علم و ادب

مخفی نماند هر رکن بنای مدنیت و اس اساس مدنیت ما علم و ادب است و بس و تمام

شرافت و معالی و اخلاق حسنهٔ انسانی در تحت این دو کلمهٔ جامعه است علم است که انسان را از حضیض

ذلت باوج شرف و عزت میرساند ادب است که ما در حسن معاشرت و قلوب دلنشین میسازد

نسبت بشخص مؤدب مفتون و مجذوب میشود علم است که مرد را بینا و توانا و از هرگونه منافع
و مضرت آگاه میکند ادب است که بجمال کمال و آرایش احوال انسان می‌افزاید
علم است که پرده ناموس اوهام باطله را میدرد و مرد را از ظلمتکده جهل رهانیده بسر حد
نور آباد معرفت میرساند ادب است که ابواب سعادت را بر روی مؤدبان باز مینماید
علم بی ادب کمال نگیرد و ادب بی علم صورت کمال نپذیرد و در حقیقت علم و ادب
بمنزله پر و بال در انسان است که هر کس بی حظ و نصیب از این دو گوهر گرانبها باشد یتیم
حقیقی است چنانکه بزرگان و دانشمندان فرموده‌اند

لیس الیتیم الذی قد مات والده   ان الیتیم یتیم العلم والادب

پس لازم است که هر کس شرافت و کمال انسانیت را طالب است بکوشد تا خود را عالم
و مؤدب نموده بر امثال و اقران خود برتری جوید و هادی افراد ملت ضعیف گردد
و رونق افزای مملکت شود

در مکتب حقایق پیش ادیب عشق   هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی

مراسله در بیان فن تاریخ

ابت شوم   رقیمه عالیه زیارت شد اینکه تقاضا فرموده بودید شرحی از فواید علم
خ نگاشته تقدیم نمایم که موجب آگاهی عموم شده بازار این علم شریف نیز در این عصر سعادت
ر چون دیگر علوم شایع و رایج گردد و متعلمین مدارس بر حسب اراده اولیای مدرسه قرائت
بط آن را واجب شمارند حسب الامر مختصری برشته تحریر درآورده تقدیم نمودم
هی است در صورتیکه مقبول خاطر شریف افتد بذل مرحمت در انتشار
اشاعه آن خواهند فرمود
ریخ فنی است شریف که در فواید آن هر چه گفته شود کم است تاریخ پیام آوری است که بازماندگان
ر قوم را از سرگذشت چندین صد ساله گذشتگان آگاهی میدهد و جام جهان نمائی است کردار
سلاف را با خلاف بوضع و حالتیکه بوده‌اند مینماید تاریخ آئینه عبرتی است که بازماندگان هر قوم
وقایع گذشتگان را در آن دیده از مزالقی که آنها افتاده‌اند پرهیز میکنند و همچنین نقش رفتار پیشینیان را
در آن دیده دانشمندان قوم از مسلک قدیم ایشان پیروی مینمایند علم تاریخ افراد مردم را

از وقایع و آثار عبرت‌انگیز زمان ماضی آگاهی داده خواص آن قوم را نیز از بعضی مقاصد خفیه
خارجه آگاهی میدهد چون منفعت این فن شریف عمومی است لهذا اغلب تربیت یافتگان نیز
خواص از لمعات مصباح این علم محترم اقتباس انوار دانش و بینش میکنند پس این علم شریف دارای
جنبه میباشد که هم بین الخواص مقبول و هم در میان اواسط الناس مرغوب است اما هر کسی
باندازه فهم و ادراک خود از آن بهره میبرد آنانکه در تواریخ تتبعی شایسته داشته‌اند علاوه
لیکن از وقایع و اتفاقات مهمه زمانهای گذشته آگاهی دارند از تجربت و امتحانات وقایع ماضیه
از وضع حال و آینده نیز باقتضای وقت و قرائن زمان تا یکدرجه آگاهی حاصل توانند نمود
و بهمین ملاحظه چندیست که در ممالک متمدنه تاریخ بر دو قسم یکی عمومی و دیگری خصوصی در مدارس
عالیه موقع مخصوصی پیدا کرده و معتنابه‌ترین درسهای سیاسی گشته است از اینرو رجال
پلتیک ناگزیر از تحصیل فن شریف هستند. تاریخ ممکنست بگفته راست و دروغ آمیخته و دانستن
آن از قضایای فروع انسان مورخ و تاریخ‌شناس که از نکات اسرار و خفایای زمانهای گذشته
واقف است وقایع ماضیه را میزان و مقیاس امور و ازمان مستقبله ساخته بنتایج مستحسنه آن پی برند

بی بعد بس و فکر تا یکدرجه آگاهی حاصل توانسته نمود بر همان علم تاریخ خصلتی اهم و الزم است

همه عالم اگر بعلم دهی ... کافرم گر جوی زیان بینی

فصل سوم ——— از حصه اول

راجع بمراسلات اخلاقی

مراسله در تهذیب اخلاق

فدایت شوم همواره در خاطر داشتم که در هنگام فرصت ایام فراغت از مطالعات اوراق مهمه
که عادی بقضایا و تهذیب اخلاق باشند نگارشش داده تقدیم نمایم که سفارش فرمایند نور چشمان
عزیزم و وابستگان اولاد روحانی این بنده هستند قرائت نموده بلکه حفظ و ضبط نمایند و در موقع
بکار بندند بملاحظه اشتغال فوق العاده برای امورات مجبوری مجال نمیکردم اکنون چندی
روزیست که بنظر آورده از کارهای رسمی فی الجمله مجالی بدست آمد لهذا اقدام باجرای
نیت مقدسه خود نموده موافق اقوال خجسته مآل حکما و دانشمندان شرحی نوشته انفاذ
داشتم امید است که موقع قبول یافته پسند خاطر افتد

عزیزا همواره با خشیار حسنات و اجتناب از سیئات تکیه کن و اگر در جوانی تخم سعادت
کاشتهٔ طریقت نکوکاری پیموده باشی در پایان عمر از میوهٔ آن برخوردار خواهی بود چنانکه بجز نیکنامی
آرزو ندارم مکافات هر عمل را بجز نیکی نیندیشه بهترین میراث اسلاف که با خلاف
بگذارند پرهیزکاری و خیراندیشی است

چندانکه بکار خیر آهنگ کردی تأخیر مکن که سعادت از تو منصرف گردد آنگاه آن خیر آفات
دانی زبون روزگار کیست سلامت و سعادت در چه و وسیله نیل آرزو کدام است
زبون روزگار کسی است که بخت خویش غره و با اقبال چند روزه دیوانه شود خود را از
مردم ممتاز شمرده و فریفتهٔ مناصب و اعزاز شود تا دست روزگار گوشش بمالد و از
از خواب غرور و مستی خودبینی باز آید و هیچ نیکی نیندوخته و هیچ درخت نیکنامی نکاشته باشد و هیچ اثر
ممدوح و خیر نکرده و دچار خسران ابدی و گرفتار غم روزگار گردد سلامت و سعادت آن است
که در همه حال حق و عدل را پیشه و مقصد خود کرده و از نیت پاک و بخیریت اعمال
گرده و فرصت از دست نگذاشته . . . تا راه صواب و ادراک مقاصد بر

و هوشیاری است آنکه شب زود خفت و سحرگاه برخاست بمنزل رسید
زودی و دل هر کس باید بازو گشاده باشد که هم دیگران بدیدار او خرسند باشند و هم خود از زندگی
و مهلت خویش رنجیده و خسته نشود در بزرگان زشتی بدتر از خودخواهی و کبر و نخوت نیست که بدین
پیرایه تو لند بزرگی خود را در چشم مردمان بیفزاید و در پیش عامه متقی گردد تا در نهاد کسی
بزرگی نباشد خوشی و درویشی دهی نشود زیرا که بزرگی نهاد و کرامت منظور خویش را
با دیگر مردم چنان نمی‌پسندد که همسری بنظر آرد مانند پیری از زمرهٔ کودکان و جوانان
و خوشی را انتقاض می‌کند زینهار از تندخوئی که دلهای آرام را آزرده و خاطرهای مجموع را
پراکنده کند تندخوئی از بیمایگی است و خراشیدن از باطن و دام مردمان
خوشروئی و نیکخوئی است که الانسان عبید الاحسان
تنگ محنت کمتر از طامع حریص نیست و هر که گرفتار این دو خصلت باشد ابدالدهر در ذلت
و احتیاج است حرص در همه جا مذموم است جز در تحصیل علم و کسب شرف و طلب نیکی
و رستی از نیاط قلبی درست و دلی آهسته صافی است و هر چیز ترا بنا بر مصلحت از بهر آن

بخلاف دشمن خانگی که بسا لباس دوستی پوشیده عیب را بر تو جلوه دهد و در زمینه حقیقت پرده پوشد

دوستان حقیقی دیریاب است و آنها هستند که از اظهار راستی کناره کنند رفیق عشرتند شریک مسرت

در زمانهای مصیبت فرار کنند و مجلسهای تملق بهوای نفس پابست بکنند و جز ابلهی هدایت ازایشان

خود فریب خوردن بهتر که با دگران فریب بردن

جوانمرد آنست که دست افتادگان گیرد و عذر تقصیر پذیرد خویشان را از خود داند

وطن را عزیزتر از خویشان شمارد و محبت نوع را بر حب هستی ترجیح دهد

بر دیگران روا ندارد آنچه را که بر خود نپسندد

عجب بزرگترین گناه است و معجب صاحبی خودخواه خویش را از همه بالاتر خوانده و در هر چه

در دست طبیعی وجود خود انگارد چنان بر خود عاشق است که گوئی معبود خلایق است و چنین

کس اگر مطالب یا رنج بیچارگان نپاید که عزیزتر از نیز خودخواه نیست و دشمن بزرگ سلامت

خودخواهی است پرهیز از ممسک که بدبخت محروم و ممسک خسیس است چه فقیر بینوا از بهرا

و نعمت بیک درجه بی بهره نیست خلاف خسیس که همواره بحرمان مبتلاست و پیوسته در رنج

و رنج و خفا ممسک مال دار را صاحب مال نتوان گفت زیرا که او مالک مال نیست بلکه مال مالک اوست

برخی سستی از لوازم خست است و این صفت را یک نوعی از جنون دانسته اند

بگریز از بزرگوئی الکثار مهمذار لاف از سخن چو در توان زد آن خشت بود که پر توان زد

هرکه را بزرگوئی و فضولی شناختی بگفتار و کردار او اعتماد مکن در فکر و عقل باو سستی باید نگرید

با مردم دلدار و شیرین باش اقتدار مهر ورزیدن و ملاطفت نمودن اثر عجیبی است و انگونه لطف

دهر در معنی بی چیزی نیست تنها بحصول آن مقصود و غرض بوده است تا لطف بزرگان که

لا لغرض و تنها بمحض لطف و خوشی است دام دلها و زنجیر گردنهاست با همه کس میالفت

ممکن است جز از پی ملاطفت و مردم را بر سر لطف و مهربانی نیارد جز لطف و مهربانی دیگر

با قدر و قیمت فی نیاهیه مهربان بوده با عامه مانس ملاطفت نموده اند

از آثار عقل هوشمندی و زیرکی است آری هوشیار و زیرک را عاقل میتوان شمرد که غالبا

قریحه و سرعت انتقال ببدو و عین هرگاه ذب عقل و خرد دست راهسر آدم بزرا خرد نسند

کسی است که رضامت خداوندی و حقانیت و خیرات مطلقه را پیشرو خیال و نیز اعمال خود کرد

او را سلامت تجارت کند و چنین مردم که بنظر هوشیار جلوه کنند چون بحقیقت عاقل نیستند
پیوسته راههای کج و بهانه‌های نامشروع انگیز کرده فتنه انگیز شرارت خیز شوند و بر حوصله
بردباری که از خصایص خردمندان است در این طبقه دروغین یافت نشود عاقبت
با گرانی مایه سعادت و سلامت است و قناعت وسیله راحت قناعت به موجود و گنجه
از معده دم قانع بودن البته دور دانست و قصور همت است اقتدا باسلاف در جهری
و ضلال از حمق و نادانی است

مختار عقل و حکمت است هم امتحان و تجربه باید مقبول و معتمد باشد هر که رسالت ازلی یار است
صحبت مخلصان و بر علت مشفقان زعم برد دارد بزرگی جز بحلم را است باید که از آن در گریز
جهان از نجور نشود و جنس آزرده گردند و حصن علم مشاورت است با اهل خرد و تجربت و تجنب از جهال
عاقل و فی الحدیث ما جمع شی الی شی افضل من علم الی حلم اخلاق خود را برفق و کرم آزاری
آراسته گردان و دیگران را رهین ساز تا ایمن تر آنکه زیست بر تعذیب جانوران اقدام روا
مدار که نگرچه ها که میان خیر و شر و نفع و ضرر فرق نتوانند و بحکم حمق خویش از عواقب

اعمال غافل باشند به نیکی و نیکت طمع میداری نیکی نمود جزای بد کرداری
فرود باید که بر عرصه عمل خویش ثبات قدم ورزد و بسر آرزو دست برنشاند بازو
نزند و بجای شکوفه و ثمرات برگ فریفته نشود چون بکاشت ثمرات وفق و قیمت
آن موفق نتواند بود لیکن عمل برجا هر که از نعمت موروث و مکتسب خود درگذرد اقسام نعمتها
و خویشتن در کاری اندازد که لایق حال او نباشد لا محاله در مقام تردد و حیرت افتد
و تأسف و حسرت سود ندارد هر که کاری پیش گیرد که در خور او نباشد جامه‌ای پوشد که
باندام او راست نیاید آینه عقل را منور از جامه خود کند و بر آن پیرایه زینت خود نهد
ه ز پسندیده نشود از زیاده روی و اسراف احتراز واجب است که چنین عیب در زبان است
و بیم جان هر مایه عیش چندان لازم است که بیماری و گرفتاری نیارد
و هیچ دیوانگی عجیبتر از حرص مال و مقدار نیست که عمر گرانمایه در راحت چند روزه
در سر آن کنند و بگاه رفتن جز حسرت نبرند آدمی باید در پیش حوادث و انقلابات دنیا
عاجز و زبون نگردد و با تمکین باشد دنیا و نعمت و دولت زود از پای درآید و به بقا نیست را خود

کند بنای عالم براین نهاده اند که پس از هر غمی شادی چشم باید داشت و بر عقب هر کدورتی

نشیند توقع بسیار کرده و در هر هم آن خبر شکیبائی است و از با صبری چند تکرار احادیث

فایده نه که المصیبة للصابر واحدة وللجازع اثنتان

اگر انسان راهیست در کار خود و اعتقاد و پرستش قلبی است و از جنس خود در اداری جنس شناخته

همه را در آفرینش مانند خود نیازمند و فانی می‌داند و است جزئیات خداوند یگانه

مصلحت خویش را بداند و چراغ عقل در راه تقوی از قضیه هر کار خود بجوید و پیوسته بخواهد که

بدانند و وانمایان را گرامی شمارد و هیچ چیز را از آن اثری نیست و در مردم که از همنشین دنیا

شرافت طبع را آن مقام است که طلب ذکر باقی و نام بلند گیرند در دنیا بخواب و خور مشغول

و شهوت و لذائذ فریفته نشوند مانند کرمان و هوام است که داغ باغ حیات و آفت درخت مردمی اند

ساخته قدرت خدا که معرفت خالق کریم است اگر در مظاهر وجود بنام نیک و اثر

پای مقام عبودیت باید در رتبه بندگی خدا بنام رفته از زمره مردمش توان خواند

بدانکه رأفت و احسان بر همه کس لازم است و برای بزرگ و کوچک با نرمی که احسان نمود

و با رأفت بود قلوب خاص و عام متوجه او شود مجذوب او گردد و بزرگان جهان بر احسان

مباهات کرده لذا از این شاخ برها خورده لا باید فرست ضعف نفس و کوچک دلی را

دانست قاصرین چون عالیمقامی را ببینند و دانند که در رسیدن بآن مقام نیستند تهمتی بطرف

او اندازند بلکه کار او را از نرخه تا از بلندی هستی بیاندازد استوار بهم شأنی او بنیادند پس آنچه مردم در حق

عظما گویند نباید قبول کرد چه اغلب تهمت زنند واهی کردن را در اینجا تر فرستی شخص بکار است و این را

رزین و استوار و تهمت اخگری است که اگر بسوختن تباه کنند اقلاً دست و جامه را سیاه خواهد

کرد بدگوهر انسان نیست بلکه شبیه است اگر دقتی بکار آید چون بکار آید خس و خار است و دور بودن

سم الفار و تملق گویان عادةً بدگوهر اند و آنانکه گوهر پاک است و طینت تابناک در تجربه ز آرام

و قراری دارد و عنصر بدبختی نگذارد و مقصد میسر و دو عقلی او را مانع نشود و چون مقصد رسید و

در سعادت دیر مسیر و رنشو و براه عجب و غرور نزد و غیر و مناعت را باید از دیگر

دانست و تشخیص عزم و لجاج را از هم توانست

عجالةً این چند کلمه حکمت عملی را نوشته ارسال نمودم انشاء الله برادران مفصلتر در کتب معتبر بیابند

فصل چهارم ــــ از رصد اول

مراسلات راجعه بانواع تبریکات

در بشارت حکومت و اظهار تبریک

تصدقت شوم   برید باد صبا هر سحر آگهی آورد   که روز محنت و غم رو بکوتهی آورد

دیشب در محضر مسعود حضرت اشرف رئیس الوزراء دام شوکته شرف اندوز بودم و جمعی از محترمین و متولین اصفهان هم بودند که بعنوان تظلم و تشکی از بی اعتدالی حکمران آنجا برای استغاثه آمده اند شرفیاب و اظهار شکایت فوق العاده مینمودند شفاهاً فرمودند در این چند روز آقای وزیر داخله بموجبات آسودگی و رفع شکایات شما را فراهم نماید حضرات التماس حاصل کرده مرخص شدند با حضرت اجل آقای وزیر داخله در موضوع اصفهان و تغییر حکومت آنجا بعضی مذاکرات فرمودند و چند نفر از کفات رجال را برای حکومت آنجا اسم بردند از جمله جناب مستطاب عالی را بندگان آقای وزیر داخله از برای این کار معین و علتی بیان فرمودند و در ذکر نام جناب مستطاب عالی از مراتب کفایت و عقل و کیاست فوق العاده ستودند و حضرت اشرف

آقای رئیس الوزراء هم این انتخاب را تصویب فرمودند حضرت عالی را تبریک و تهنیت میگویم و انشاءالله عنقریب آن وجود محترم را بمسند حکمرانی با مزید عزت و کامرانی جالس و متکی میبینم امیدوارم در این موقع ارادتمندان خود را از نظر التفات فراموش نفرمایند اطلاعاً عرض شد فردا نتایج این راپورت در حضور مبارک مشهود خواهد شد زیاده قربانت

در تبریک ورود از سفر

قربانت شوم   ورود مسعود و نزول اجلال جناب مستطاب عالی را امروز بشارت دادند ابواب شادمانی و سعادت را از این بشارت بر چهره آمال گشودند   باز گلهای زندگی چون نوبهار گلهای بوستان محبت شکفته شد   چون فعلاً ضعف وقت و عدم فرصت مانع از تشرف فعلی است با نقص کمال ارادت لازم دیدم قبلاً بوسیله ذریعه در مقام عرض تبریک و تهنیت برآیم تا فردا در موقع شرفیابی از زیارت حضور مبارک کامیاب شوم امیدوارم ورود میمون جناب مستطاب عالی بخیر و مزید سعادت مقرون باشد   مختصر چیز ناقابلی بعنوان مبارکباد ورود تقدیم نمودم بر تهنیت محض شمه عنایت امر بقبول آن فرموده بر مراتب امتنان و تشکرم خواهید افزود

در تبریک مقام ریاست الوزراء

قربان حضور مبارکت گردم   از شمول عنایه ملوکانه نسبت بذات مقدس بندگان حضرت مستطاب اشرف اعظم عالی دامت شوکته در اعطای مقام منیع ریاست الوزرائی فوق التصور متشکر و با منتهای قدردانی مراتب فدویت و بندگی در نهایت مفاخرت خاطر انور را بعرض تبریک و تهنیت مصدع و دوام بقای این مقام رفیع را از خداوند متعال سائل و آمل است   زیاده جسارت است

در تبریک روزنامه

طلوع این کوکب درخشان و ظهور این مهر تابان یعنی جریده فریده ... که از مطلع مدنیت این و عرفان زینت بخش عالم انسانیت و بهجت افزای خاطر ارباب معرفت گردیده باعث تشکر و مسرت است مخصوصاً این بنده از روی کمال شوق و ارادت ثمرات این جریده فریده را استقبال از مطالعه مطالب عالیه آن مستفید و محظوظ میشوم میتوانم بطور ختم و قطع عرض کنم از زمانی که قلم و زبان آزاد شده اند در نگارش جراید منتشره است تاکنون زبان هیچ فارسی جریده باین فصاحت بیان و بلاغت کلام که حاوی انواع مطالب عالیه از امور ادبی

سیاسی و اخلاقی و اقتصادی باشد پا بعرصه تمدن نگذاشته و تا این درجه مفید و عام المنفعه نبوده است این است که تبریکات صمیمانه خود را تقدیم مدیر محترم آن جریده فریده مینمایم و از صمیم دل آرزو دارم که سالها مصون از حوادث ایام و سوانح روزگار بطبع و نشر این جریده موفق و خدمات خود را بعالم معارف تکمیل فرمایند   زیاده ایام اقبال مستدام باد

در تبریک بابتیاع عمارت

فدای وجود دولت شوم   پس از تقدیم وظایف ارادت و استعلام از انتظامات مزاج وجود مبارک تصدیع میدهد هر کدام روز شنیدم مبارک و میمنت اقدام در ابتیاع یک باب عمارت رفیع البنیان جدید الاحداثی نموده و از این حیث قصد نقل و تحویل بآن عمارت جدید فرموده اید اگرچه مفارقت از فیض حضور و صحبت جناب عالی خیلی سخت و ناگوار است ولی چون بمیل حضرت عالی غیر آن عمارت اختصاص بخودتان یافته و موجبات آسایش و راحت آن وجود شریف فراهم خواهد شد رنج مفارقت را بر خود هموار و از صمیم قلب خاطر عالی را از ابراز تبریک و تهنیت خود مستحضر میسازم و آرزو دارم سالیان متمادی با عزت و کامرانی در آن بنا سکونت فرمایند

نیش فرموده پاینده و مستدام باشید بدیهی است در موقع مناسب برای تهنیت و تبریک
عمارت جدید و افتتاح آن که در زمستان وارد شدند از ادای وظیفه محروم نخواهم بود

فرمود لازال ایام بکام باد

در تبریک شغل و منصب

قربانت شوم با آن مقامات علمی و عملی و کفایات ذاتی و معنوی جناب عالی
خیلی متأسف بودم که بواسطه عدم مساعدت روزگار چندی در گوشه انزوا بیکار
و بعضی ناملایمات زمانه دچار بعید اکنون که بحمدالله کوکب اقبال از افق سعادت طالع
و اختر اجلال از برج وبال خارج و بمرتبت بزرگی از طرف دولت نائل شده اید منتهای درجه
مشعوف و تشکر تبریکات صمیمانه خود را از ظهور این موهبت تقدیم مینمایم و آرزومندم که
همواره بر مسند اجلال با مساعدت اقبال پاینده و بیمنوال باشید زیاده زحمت نمیدهد

در تبریک حکومت

تصدقت گردم امروز بشرف حضور مبارک بندگان حضرت اجل اشرف افخم آقای

وزیر داخله دامت شوکته بودم چون خاطر مبارکشان از مراتب ارادت و اختصاص بنده نسبت
بجناب مستطاب عالی مستحضر است مژده دادند جناب عالی را برای حکومت یزد منتخب و منصوب و علاوه
فرمان رتبه امیر تومانی برای جناب عالی صادر فرموده اند خدا عالم است که زیاده از حد تصور از این
مژده متشکر و مسرور شدم و مخصوصاً از بذل مراحم حضرت معظم له درباره حضرت عالی خیلی تشکر کردم
و آنچه مقتضی ارادتم بود از حضرت عالی حفظ الغیب نمودم شهد الله با اخلاق حمیده و اوصاف
پسندیده که حضرت عالی دارید و با آن معلومات و شایستگی هنوز این رتبه و منصب برای قدر و منزلت حضرت عالی
نیز نرود است حقیقة بدون ریا و تملق و زبان بازی آن وجود محترم شایان بسی مراتب و مقامات عالیه
میباشند کاش در این عصر آن اشخاصیکه بمقامات خیلی عالی ارتقا جسته اند ثلث معلومات و شئونات
خانوادگی جناب عالی را داشتند در هر حال با کمال مفاخرت تبریکات صمیمانه خود را تقدیم مینمایم
و اندیشه دارم در سالیان متمادی با مزید بزرگی که مراتبی بمسند اجلال و حکمرانی پاینده و مستدام باشید
زیاده عرضی ندارم

در تبریک مولود

قربانت شوم آقای میرزا حسینعلی خان ساعت ۹ در بنده منزل تشریف داشتند در ضمن

۱- آگاه ۲- زنانه ۳- بلندی ۴- دراز

صحبت بشارت داده‌اند که خداوند متعال بجناب اجل عالی فرزند برومندی اعطا فرموده است
زیاده از وصف مشعوف و مسرور شدم تهنیتش را بحضرت مبارک باد و برسم چمن بمقتضای
عالم وداد و رسم اخلاص واجب شمردم تبریکات صمیمانه خود را نسبت باین مولود مسعود تقدیم
نمایم انشاء الله تعالی مقدم شریف و نزول اجلالش بخیر و مبارکی و در زیر شرافت مقرون با
دورهای سعادت و نیکبختی از حصول این موهبت بروی والدین محترمش مفتوح باد رجا دارد که
خداوند آن قدر شکوه با صبر و سعادتمندی را در کنف تربیت دایه والدین محترمش با عمر طبیعی
بمقامات عالیه نائل فرماید   ایام اجلال بیزوال باد

در تبریک عروسی

قربانت شوم   امروز بشارت داده‌اند که بمیمنت و مبارکی قدم بامر خیر فرموده‌اند
جشن شاد دادگرفته و دلیعه بنائی در بوستان اعطا فرموده‌اید بی اندازه خوشوقت و مشعوف
شدم اگرچه بمصداق کل شیء من الظریف ظریف آنچه از جناب عالی ظهور آید تماماً پسندیده
و مطبوع است باین تمجید و تحسین ولی بسیار اصرار تصدیق نمایم که این اقدام خیر خیلی بجا

۱- اسپید   ۲- روشنی چشم   ۳- هر چیزی از شخص ظریف مطلوب است

بمراتب عالیه بر بنام اوقات سابقه تربیت و تفوق دارد زیرا که حضور و نشستن بزرگانی و ملزمات فائقه
هم جهات در خصوصیات عالی نجیب و تربیه اولاد صالح و امیر کرده چیزی که با آن ملتفت این بنده
بمانفرزی و مهجوری خود از فیض حضور دانند موفقیت تکمیل خدمات بدست در این حال باید عالم
مسرت تبریکات صمیمانه خود را تقدیم داریم و از خداوند متعال از هر عیش و اقبال جناب ابدا
سایه و آمال   ایام جلالت مستدام باد

رقعه در افتتاح مدرسه

قربانت شوم   از قرار مذکور جناب مستطاب عالی در ولایت ساری از طرف
رسول امین و حکم متین شرع مبین بر اجرای دستاویه خداوندی موفق بتاسیس و افتتاح
مدرسه مطبوع جدید شده و آقایان ذوی الاحترام اکثر و هم از پیشرفت این مقصود از هیچ
مساعدت مضایقت نفرموده و در حسن انتظام امور مدرسه با جناب عالی از هر جهة متفق شده
همراهی نموده اند تا کار بجهة اطفال و حقیقی آن مدرسه بالغ بر شصت نفر گردیده و از معلومات
معلمین که برای آن مدرسه بعضی انتخاب شده اند خیلی تعریف نوشته دار ترقیات متعلمین در آن اند که

۱- برتری   ۲- بلندی   ۳- همدستی

مدت فوق‌العاده تمجید نموده‌اید اگرچه من بنده شخصاً از نعمت فضل و دانش بهره ندارم
ولی وجداناً از هواداران علم و عمل هستم خاطر محترم حضرت عالی را به عرض تبریک و تهنیت
مصدعم با کمال معذرت به چه جهت که حسب ابتدائی مصوبهٔ وزارت جلیلهٔ معارف از تصنیفات
جناب آقای ... مرتضی خوشنویس است و معلمی برای مدارس با یک جلد کتاب گلستان خط
جناب معظم له در خوبی خط و کاغذ و مرغوب وضع و طبع در غایت شهرت است برای متعلمین آمده
انتفاع دو داشتم استدعا دارم در میان آنهائی که بعضاً از آن بجز برای کتب و نمیکنند توزیع
فرمائید ولی اگر نسخه از وضع و ترتیب این مدرسه مشروحاً برای من به اطلاع مرقوم
دارید که موجب حصول امتنان خواهد بود   زیاده ایام بکام مستدام

فصل پنجم —— در انواع دعوتها

رقعهٔ دعوت برای تصفیهٔ امر

قربانت شوم   مدتی است فیمابین آقای ... و آقای ... در باب مطالبات شخصی
مشاجرات در داده منجر به منازعه است بواسطه ایشان از آنان درگاه اقدام در تصفیه

۱- حواله‌دار   ۲- تقسیم   ۳- هنگام فرصت   ۴- گفتگوی و ستیزه

و اصلاح آن نشود عنقریب بطور ضدیت کار به منازعه و مخاصمه خواهد کشید و مورث بعضی خسارت
و زحمت خواهد گردید بعضی اشخاص مغرض هم برای پیشرفت مقاصد و جلب منافع خود آتش فتنه را
دامن میزنند چون خاطر محترم عالی همواره متوجه و معطوف باصلاح امور و حسن آسودگی و
آسایش عموم است تخصیص در اصلاح امور این دو شخص محترم که بکلی نوع بستگی و اختصاص کامل
بجناب مستطاب عالی دارند و در اطاعت و اجرای اوامر مطاعهٔ جناب عالی نیز یک عقیده باشند و
رأی مطاع را معتقد هستند تمنی است ذیل توجهی مبذول فرموده باین بنده منزل امر فرمائید از
طرفین را اسم احضار و در مطالب و اظهارات و اسناد و نوشتجات آنها دقت و رسیدگی
نموده عادلانه قراری مستلزم راحت و آسایش طرفین باشد بدهید در این مذاکرات منقطع و
تصفیهٔ این امر بیش از این بطول نینجامد   زیاده عرضی جسارت ندارم

دعوت عروسی

قربانت شوم   چون امشب میمنت و مبارکی شب زفاف و عروسی جناب ذوالنصاب
آقای ... دام اقباله است با ملک‌ها فراهم و مجلس عیش و انبساط مهیاست و هر یک از دوستان

۱- مخاصمه کردن دو کس با هم   ۲- فسردن

مساعد نشستن و یاران موافق و صدیق با پیکوبان و دوستان با یک مسرّت و انبساط فوق العاده شرف حضور بهم رسانیده اند جناب عالی که از دیگران نسبت بایشان بیشتر اختصاص دارید لازم است که در این مجلس محترم هرچه زودتر تشریف شریف ارزانی فرموده مراتب اتحاد و یگانگی خود را نسبت بایشان تکمیل فرمائید لهذا جلسه مبارک را بسته گرمیه ارمغان بردن فوت فرصت برای مزید امتنان ایشان و حصول مسرّت خاطر دوستان تشریف فرما شده دیده یاران را بجمال خود تان منور فرمائید   زیاده ایام بکام باد

دعوت برای آشتی فیمابین دو نفر

قربانت شوم   خاطر شریف مستحضر است چندیست فیمابین آقای ... و آقای ... زیرا حالیها با عوالم نسبت و قرابت و مراتب دوستی و اتحادیکه در سر یک جزئی مطلب غیر قابل اعتنا از رنجش و کدورت حاصل و یکجهتی باب مراوده و رابطه های الفت را بسته اند جمعی از دوستان خیراندیش امتداد این رنجش و نقار را از این بیشتر مقتضی ندیده و صلاح دیده و آمدند و بر این استقرار یافته است که هرچه زودتر اسباب اصلاح و تألیف این دو شخص

۱.. یادآوری   ۲- خوش   ۳- جمع رأی   ۴- درستی و تألیف

محترم مهیّا گردد با اتحاد رأی و اراده مجلسی در این بنده منزل تشکیل و موجبات تألیف و تحبیب و اصلاح ذات البین فراهم شود این بنده هم حسب الرأی آقایان محترم تشکیل مجلس داده بعضی از آقایان را دعوت نموده و چون حضور جناب مستطاب عالی در این مجلس ملاحظه شرافت مقام و کبر سن و حصافت عقل و اصابت رأی اهمیت مخصوصی را دارا است و طرفین هم با یک ارادت و عقیدت بی بآن وجود محترم معتقد و در اطاعت اوامر مطاعه جناب مستطاب عالی ساعی و جاهد هستند لهذا مستدعی است فردا با این بنده منزل تشریف قدوم ارزانی فرموده و موجبات انبساط بیمن مساعدت و حسن توجه و موافقت جناب عالی رنجش و کدورت تبدیل به صلح و صفا شده رشته بعضی مذاکرات غیرمنتظره منقطع گردد   زیاده عرضی ندارم

دعوت برای رجوع خدمت

قربانت شوم   پس از استعلام از سلامت وجود مبارک که تصدیع میدهم اگر در نظر شریف باشد دو ماه قبل اکیداً سفارشم فرمودید که مترصد باشم هرگاه خدمت و شغلی مناسب حال جناب عالی در اداره مالیه یافت شود اطلاع بدهم که بوسیله مقتضیه آن کار را برای خودتان

۱- پیری   ۲- خوش گفتن   ۳- جمع وسیله

است عاملی شده از آن وقت تاکنون با نیت‌های پاک مراتب ارادت و بندگی مترصد موقع مناسب بودم

تا دیروز حسب امر وزارت جلیله داخله اداره موسوم به اداره تأمینات ... و از برای اداره

مزبوره لازم یک نفر نویسنده کافی زبردستی مطابق نظامنامه آن اداره لازم بود که اگر میکردند

این بنده نیز حسب الامر در آن مذاکره بودم سه مراتب کمالات و صحت عمل و کفایت

جناب عالی اظهار کرده و شخص را بهم که برای ریاست اداره مزبوره انتخاب نموده‌اند

با خود همراه کرده فرستاد و شد که جناب عالی در وزارت داخله تشریف بیاورید

پس از ملاقات معاون وزارت داخله قرار کار جناب عالی داده شده شرفیاب شوید

صبح را در منزل تشریف داشته باشید که بنده خدمت جناب عالی رسیده

منزل رئیس اداره تأمینات رفته بعد از ملاقات و مذاکرات لازمه با ایشان بوزارت

داخله حاضر شده ان شاء الله بخواست خداوند جناب عالی را برای مدیریت شعبه

تحریرات اداره مزبوره انتخاب و حکم ریاستی آن از وزارت داخله صادر

و متبارکی شغل کار شود   زیاده قربانت

۱- در کمین کاری نشستن و چشم داشتن بکاری که در نظر دارد   ۲- بایگانی

دعوت طبیب

فدایت شوم   با اینکه معمول بود اتفاقاً مختصر کسالتی در مزاج این بنده روی داده و روز بروز

دور ماندن این خانه زاده از التفات و توجهی که همیشه داشتید قریب دو هفته است قدم

از طریق وفا کشیده مریض محبت خود را عنایت و عیادتی نفرمودید چند روز است که از

بستگان بنده از شفا آمده و در بستر بیماری افتاده بقسمی که از شدت تألم نه قدرت حرکت دارد

و نه قوه تکلم این چند ساعت در انتظار تشریف فرمائی بوده تمنی دارد که با قدوم مبارک تفقد فرموده

عیادتی بفرمائید ان شاء الله از این توجه و التفات جناب مستطاب عالی بهبودی عاجل حاصل نموده

موجبات آسودگی او و پرستاران فراهم گردد   زیاده عرضی ندارم

دعوت مهمانی

قربانت شوم   مدتها بود که مشتاق و آرزومند بودم هر شبی را با حضور حضرت عالی

بروز آورده مراتب تعلق و ارادت و مهر و مودت خود را که لازمه ذات فیوضات و تربیت ذات

از فیض حضور و درک صحبت سرکار عالی تمتع نمایم متأسفانه بواسطه پاره گرفتاری...

۱- دوست داشتن   ۲- مهربانی   ۳- جمع فیض

تشکیل میشود دست عجز بسته به ذیل مرحمت فرموده در روز و ساعت مذکور تشریف قدوم ارزانی فرموده از صرف شربت و چای نفیسترین آستان و از بروز رداک انفاس قدسیه حاضرین را مستفیض و جمعیت عقد ما را آرایش فرمائید   ایام افاضت پاینده و مستدام باد

فصل ششم —— از اصل اول

عریضهٔ پسر به پدر

خداوندگارا تصدقت شوم   چندی بود که از فیض زیارت مرقومات مطاعه و ادراک این سعادت فوق العاده محروم بودم تا بفضل الله تعالی این نیک کوکب اقبال از برج دل خارج و از افق سعادت و آمال طالع گردیده بزیارت دستخط مبارک فائز و نائل شدم و از بشارت سلامت وجود مبارک بکرات شکر و مسرت و دست نیاز از صمیم قلب بدرگاه خداوند و دوام عمر و استقلال آن وجود مسعود را مسئلت و درخواست کرده در نصایح و پندهای حکیمانهٔ آن بنده عالی را آویزهٔ گوش هوش خود نموده بطوری که عشر مرقومات مجری و معمول خواهم داشت سعادت و نیکبختی خود را از اطاعت اوامر نصیحت آمیز حضرت عالی دانسته هم خواهم نمود استعلام از حال

۱- جمع زائچه نیز خوشی که بتوسط او باشم برسد   ۲- پستی   ۳- ادبار   ۴- آرزوها

فرموده لله الحمد از حسن توجهات قلبیهٔ حضرت عالی از نعمت صحت وجود با بهجت مزاج در اجرای خدمات مرجوعه مباهات و اهتمام دارم و امورات نیز بر وفق مراد و مرام میگردد و بجز بیک آرزو نائل شده فقط استدعائی که از حضور مبارک دارم این است که هر چند گاه از زیارت مرقومات مطاعه دلربا کامیاب و از خوشحالی هم باشد محروم نفرمائید و در قضیهٔ امورات هر چه کرده‌ام یقین است در هنگام مرخصت بذل توجه و مساعدت مضایقه نخواهید فرمود   زیاده جسارت است

تقاضای مساعدت در رجوع خدمت

تصدقت گردم   چون همواره نیت مقدس عالی را متوجه و معطوف به عاقبت احوال ارادتمندان صمیم میدانم لهذا مستظهراً جسارت میورزد و چندی است که ارادتمند از جمعیت وقت بضاعت بیکار و منزوی روزگار را در کمال عسرت و سختی میگذراند باید به شیوهٔ قدیمی التفاتی برای حضرت اجل عالی حاصل است مستدعی است با اقتضای فطرت پاک و نیت تابناک رعایت حال این بندگی ارادت ارادتمند را فرموده بیکی از دوایر دولتی به اصلاح و مقتضی بدانید توصیه فرمائید که از این توجه و التفات مخصوص حضرت اجل پذیرفته شده از رنج بیکاری آسوده و بانوی حقوقی

۱- جبهٔ کوچک   ۲- اصلاح   ۳- پشت گرمی   ۴- روشن   ۵- سرزنش

داردو با دراک این سعادت و شرافت موفقیت حاصل مینمودم یکی دو روز است از حسن اتفاق و یمن سعادت اقبال بکلی موانع و محظورات متصوره مرتفع و از هر جهت آسایش خیال و فراغت احوال حاصل و موجبات تعیش من جمیع الجهات فراهم است مستدعی است بذل تفقد فرموده امشب این مخلص مشتاق را سرافراز و از فیض حضور موفور السرور دعاگو را قرین اعزاز و امتنان فرمایید   زیاده تصدیع نمیدهم

دعوت مهمانی باغ

قربانت گردم   دیروز جناب مستطاب اجل آقای میرزا احمد خان دام اقباله بنده را با چند نفر دیگر از دوستان دعوت بباغ فرموده بودند با اینکه مدعوین مجلس همه موافق و یکدل و متحد بودند چون جناب مستطاب عالی تشریف نیاورده بودند برای بنده چندان خوش نگذشت و لذتی از نزهت و صفای باغ حاصل نگشت تمام خیالم متوجه حضرت عالی بود حالا بجبران و تلافی دیروز که از فیض حضور عالی محروم بودم مستدعی هستم فردا را بنده منزل سرافراز فرمایید که از آنجا در خدمت حضرت اجل عالی به یکی از باغات معروف شمیران

۱- منع شده‌ها   ۲- رفع شده   ۳- خوشی بسیار

از صبح تا غروب بسر برده لذات روحانی را از فیض حضور عالی تکمیل نماییم زیاده والسلام که این مستدعی را قرین رد و بی‌عذری قسمت نشوید   ایام بکام باد

در دعوت عقد

چون بمیمنت و مبارکی و تأییدات امام عصر عجل الله تعالی فرجه برای جناب آقا ... در منزل جناب مستطاب اجل آقای ... دام اقباله در روز ... بساعت قبل از غروب مانده مجلس عقدی منعقد خواهد شد چون آقای ... یک اختصاص مخصوصی بحضرت اجل عالی دارند تمنی است محض شرافت و تزیین مجلس مزبور در روز و ساعت مذکور تشریف خجسته قدوم ارزانی فرموده از صرف شربت و چای قرین امتنانم فرمایید

در دعوت مجتهد برای عقد

بعرض مقدس عالی میرساند   چون در ظل عنایات و الطاف امام عصر عجل الله تعالی فرجه و توجهات کامله حضرت مستطاب عالی دامت برکاته در روز ... ساعت بغروب مانده بجهت جناب ... آقای ... در منزل جناب مستطاب اجل ... تهیهٔ مجلس عقدی

۱- جنبیدن   ۲- زینت   ۳- سایه

همیشه در پیشه قناعت نموده دعاگو باشد   زیاده جسارت نمی‌ورزد

در تأسف مسافرت از دوست

قربانت شوم   امروز از یکی دوستان که بجناب عالی انس و الفت مخصوصی دارند شنیدم که قصد مسافرت فرموده و عزم دیار دیگر کرده‌اید حقیقة استماع این خبر یک اثر غریبی در مزاج این بنده بخشیده موجب بسی تأسف و تلهف گردید زیرا که در این شهر فایده عمده که بنده برای خود تصور میکردم همانا موفقیت بسعادت زیارت و ادراک فیض صحبت حضرت عالی بود پس چنانکه این نعمت عظیم هم از بنده سلب شد و از فیض حضور عالی مهجور و محروم بمانم دیگر بچه امید در این شهر توان بود   خداوند متعال عالم است که خاطر از زیادی مفارقت و هجرت عالی بی‌نهایت پریشان و متأثر خواهد بود ولی چون وسائلی برای منع این مقصود و در دست نیست و جناب عالی هم مجبور از حرکت هستید با زبان مبارک رخصت داده و روزگار را از حضور عالی بی‌بهره نگذارید و از ملاقات جناب عالی خواهم بود   دیگر نیست و همین تو دراز شاید نیست

چاره بعد از این جز دعا نداریم که به تنهائی   زیاده قربانت

۱- شنیده‌ام   ۲- کرده   ۳- نیست   ۴- جمع وسیله راه

گله از دوست در ترک مراسلات

مارا چو روزگار فراموش کرده   جانا شکایت از تو کنم یا ز روزگار

با انتظاری که اغلب بزیارت مرقومات شریفه دارم چندی است که ترک نگارش مرقومه فرموده‌اید و این بنده را از فیض این سعادت محروم داشته‌اید با اینکه میدانم بطور یقین میدانید که تمام مسرت و شادمانی خاطر بنده بوصول مرقومات شریفه و حصول اطلاع از سلامت وجود مبارک است متمنی است انتظارات بنده را تبدیل بیأس نفرموده با نگارش دو سطری دلشاد سازید رسانیدن اخبار مسرت و شادمانیم فرستاده شد   ایام اقبال مستدام باد

در پرسش احوال بیمار

قربانت شوم   امروز مسموع افتاد چند روزی است وجود محترم عالی را کسالتی عارض و نقاهتی حاصل شده است شهد الله تعالی بدون ریا در زمانی از استماع این خبر ملالت اثر سخت ملول و پریشان شدم که مزیدی بر آن متصور نیست و بیشتر تأثرم از این است که بدبختانه بجائی که خاطر شریف مسبوق است معذور از تشرف بعیادت هستم همینقدر مستدعی دارم که الوصول

۱- انگیختن   ۲- شنیده شده

عریضه فرده بهبودی و آماده صحت را مرقوم و از شمول این مرحمت و موهبت متشکر و

ممنونم فرمائید   تا ایام عزت پاینده و مستدام باد

رقعه در توصیه

بعرض عالی میرساند   پس از ادای مراسم مودت و اخلاصمندی زحمت میدهد

چون از حسن عقیده و طرز سلیقه جناب مستطاب عالی و انتخاب اجزاء برای اداره

مسبوقیت و اطلاع کامل دارم لهذا جناب ... که در علم انشاء و فنون ادبیه تمام

زحمت کشیده و بمراتب کفایت و صحت عمل و تدین و درستکاری معروف و موصوف و برای اختصاص

و از حیث مالی تعهد دارد بخدمت جناب عالی معرفی و توصیه مینمایم و خاطر محترم عالی را از صحت عمل و درایت

او در خدمتگذاری اطمینان میدهم و تمنی میکنم بذل مساعدت فرموده مشارالیه را بکاری که مناسب

مقتضی میدانید متصدی بفرمائید که بر اثر حسن خدمتگذاری و اشتغال ورزیده مراتب کفایت و جوهر ذاتی

خود را مشهود سازد بدیهی است از قبول این تمنا بر مراتب امتنانات این بنده خواهید افزود

در مذاکرهٔ امر وصلت

۱- برگشت سلامت مزاج   ۲- یگانگی   ۳- شناسانیدن   ۴- خواهش

قرابت شوم   با شناسائی و معرفت کاملی که بندگان عالی نسبت باحوال و اخلاق

آقای میرزا ... خان دام اقباله دارند گمان میکنم چندان محتاج بتعریف و توصیف بنده و غیره

نباشید بهمقدر مختصراً عرض میکنم قطع نظر از مراتب نجابت و اصالت و فضایل صوری و خصایل

معنوی این شخص محترم همواره بواسطه کفایت ذاتی و استعداد فطری مرجع و مصدر کارهای دولت

از اقبال خود بهره مند و برخوردار است و از خود ملک و علاقه هم دارد که بتواند بخوبی و آبرومندی

چندین نفر را تکفل نموده و راحت بدارد چون از خارج و داخل نجابت و توصیف خانواده جناب مستطاب

عالی را شنیده و از روی کمال میل و رغبت طالب و خواستار شده است بمصاهرت و وصلت جناب عالی

افتخار جوید و از جهت اتحاد و ارتباط معنوی این بنده با جناب عالی نیز مسبوقیت حاصل نموده بنده را

برای ورود این مذاکره افتخار انتخاب نموده اند این است بخاطر مبارک رسانده اگر میشود مدتی قرار داده

حال و باطن این امر را فکر نموده نتیجه افکار خودتان را در رد و قبول این کار مرقوم فرمائید

تا تکلیف ایشان را معلوم دارم ولی عقیده این بنده این است که این امر را استقبال نمائید

که این چنین مرد کمتر آدم نجیب متدین صحیح العمل متدین یافت میشود و اگر هم یافت شد فرصتش را از دست نباید داد

۱- پذیرفتن   ۲- داماد   ۳- عاقبت   ۴- وابسته

واز دوست نوازی جناب عالی چه اقتضا فرماید زیاده جسارت است

جواب مراسله

قربانت شوم برزیارت مرقومهٔ عالیه موفق و بشرح عنایات کاملهٔ عالی مستحضر شدم حقیقة بسیار

از جناب آقای عیسی خان دام اقباله متشکر و ممنونم که جناب عالی را در یادآوری این بنده تحریک

کرده‌اند یقین دارم که از روی بی‌ارتباطی و عدم سیر قصد ام در جنبش خامه و نگارش نامه قصور رفته

زیرا که آنکه هرگز در آئینهٔ ضمیر منیر عالی جلوه‌گر نخواهد بود و در صفحهٔ خاطر هم نازنین صورت

طلوع نخواهد یافت من بنده خواهم بود و بس در هر حال با رشوق و ممنونم در قسمت تقاضای

آقا میرزا عیسی خان و تمنّای وصلت با این بنده در صورتیکه جناب مستطاب عالی اصلاح دیده

و تصویب فرموده‌اید من بنده را بحث و ایرادی نیست پسندیدهٔ تو پسندیدهٔ من است البته خود جناب عالی

بطوری صلاح و مقتضی بدانید در مقام وکالت بی‌جهالت و اولویتی بر بنده دارید با حفظ

رعایت مقامات این بنده قرار داده و انجام این کار را با میمنت و اتمام خواهید داد و نتیجه را

هم اعلام خواهید فرمود که از همان قرار داده و دستور العمل معمول شود زیاده قربانت

۱- طلب سعادت ۲- نیستی ۳- جمع اثر ۴- برتری

در توصیهٔ تربیت پسر

قربانت شوم در این موقع مسعود که پست مفروزهٔ دولتی برای مدتی عزیمت از ایران را ارادت

این بنده تصمیم نموده بحرکت با سابقهٔ مودت و اشتیاق تربیه و مساعدت کافیه که از آن ابر

ارادت دیرینه خود را در ضمیر منیر عالی یافته که در خاطر شریف و اعتماد شایسته دارم

که همواره از عنایات آن وجود عالی با نعمت ارتقاء و مزید مرحمت بنده مستدام البته با شاخص حکم

از طرف بنده ... از مستقیم مراتب ارادت ... بحمدالله سلامت مزاج حاصل

که ... غایت ... می‌گذرد و در پوستهٔ شمول الطاف و عنایت کاملهٔ عالیه را

منتظر هستم یقین دارم که باین نکته توجه فرموده‌اید که این بنده بجز از فضل خداوند

در طی این فقرات استظهار بوجود محترم جناب عالی است قطع نظر از اینکه از صلاحیت امور

خود را مشمول توجهات مخصوصهٔ جناب مستطاب عالی میدانم اختیار عیال و اطفال خود را نیز به عهده

التفات جناب عالی موکول داشته‌ام خانم بنده زاده بوطلب خیلی طالب محبت است

توجه مخصوص تربیت او دست مسند علی ... مقرر فرمایید او در زیر ... از ...

۱- جویا ۲- جمع لطف ۳- پشتگری ۴- رؤوف

که در نظم و ترتیب تدریس و صحت رفتار و لباس مدرسه ملاحظه شد باشید بسیار بهره مشعوف و تحسین نموده
و در ویرانی عنایت جناب مستطاب عالی در غیاب این بنده وجود شما مصروف و باطل شده
کوی سعادت را از همسران خود در ربائید و لوازم مدرسه و شهریه آن را از وجوه مقرره
دریافت و ارسال خواهید فرمود و در طلب وصول مرقومات عالیه و اخبارات جاریه

دار الخلافه را منتظرم — تابعه قرابت

رقعه دوستانه در امتنان

قرابت شوم — اگرچه این بنده همواره از بذل ملاطفت و حسن مساعدت جناب
مستطاب عالی در اصلاحات امور خود کمال تشکر و امتنان را داشته و دارم و از این
مرحمتی که نسبت با این بنده مبذول فرموده و امری را که بعهده خود و اصلاح آن متعهد گشت
و کمال سعی و تصفیه و اصلاح فرمودید باندازه‌ای مراتب تشکرات و امتنانات صادقانه‌ام افزوده
که دیگر بر آن متصور نیست توانم عرض کنم که از این حسن مساعدت با این بنده حیات جدیدی بخشیده و روح
تازه بکالبد فسرده‌ام دمیده‌اید زیرا که اگر این همه با این بنده انجام نمی‌یافت بکلی از هستی

۱- رسانیده ۲- مهربانی ۳- عنصر تازه ۴- بدن

این بنده باقی نمیماند فعلاً که جز اظهار تشکر و امتنان کاری از دست این بنده ساخته نیست امیدوارم
خداوند توفیق تلافی و سعادت خدمتگزاری عنایت فرماید

رقعه در توصیه

بعرض عالی میرساند — جناب فضایل مآب آقا میرزا عبدالغنی که فی حد ذاته مستغنی از هرگونه
تمجید و تعریف است نسبت بجناب مستطاب عالی اظهار اختصاص مینماید و خود را پرورده خوان
احسان و برآورده مکارم آن حضرت میدانند و بعلاوه بجناب عالی در جنات مبایعه و معامله دارند
اتفاقاً این بنده را محرک شدند که در خدمت جناب عالی در توصیه ایشان تصدیع دهم و
تمنا نمایم در صورتیکه رأی مبارک اقتضا نماید باستبتاع این قطعه ملک را از ایشان که بچنین مقروض و
پریشان شده‌اند رعایت معزی الیه را منظور و ملحوظ فرمائید بدیهی است بمحض حصول دین تشکر
ایشان و مزید امتنان بنده از بذل مساعدت مضایقت نخواهید فرمود — زیاده ایام بکام مستدام باد

در پرسش بیمار و تشکر مریض

تصدقت گردم — بیماری من شد سبب پرسش معشوق — میمیرم از این غصه که چرا بهتر شدم

۱- بی‌نیاز ۲- جمع کرم ۳- خریدن

دستخط شریف را در پرسش احوال این بنده ضعیف زیارت شد از مضمون این مرحمت متشکر
و از بهبودی خود متأسف شدم زیرا که ناخوشی بنده باعث محرک یادآوری و نزول توجه و التفات
حضرت عالی گردید و الا به هیچ اطمینان خاطر مبارک از سلامتی این بنده یقین داشتم
میدانم که ابراز یادی از بنده نخواهید فرمود مگر خودم شرفیاب و بسعادت حضور
مبارک نائل آیم یا روسای دیگر خود را دهند که خاطر قایم و در هر حال عالم بر جمیت برکار
حال الحمدلله خیلی بهتر است احتمال میدهم اگر مرض عود نکند در این دو سه روز ضعف بکلی
رفع شود و بعد روز دیگر بتوانم شرفیاب شوم

رقعه دوستانه

قربانت شوم   با سوء تفاهم خاطر شریف از کسالت بنده خیلی مایه حیرت و تعجب است
که چرا روی داده و چه اتفاق افتاده که به هیچوجه عیادت و پرسش حال از ارادتمند خود نفرمودید
یکی از یادم رفته و در آتش میدادم نهاده گمان میکنم شاید فوق العاده مانع از تشریف
فرمائی شده و الا شخص محترم حضرت عالی چون بعضی اشخاص این گونه بیوفا و فراموشکار نیستند

۱- رسنده   ۲- برگشت   ۳- کارها

در هر حال بیشتر درجه آرزومند و مشتاق زیارت دیدار شریف هستم آهسته دارم بعنوان عیادت قدم
رنجه فرموده مسرور فرمایید که بینهایت متشکر و ممنون خواهم شد

رقعه درشت و درست

قربانت شوم   از طرف دیوان اعلی خدمتی در خارج به این بنده ارجاع شده است
که از ترتیبات و انجام آن عاجز و محتاج باشم اذکری جناب مستطاب عالی هستم مستدعی است از راه
مرحمت و خیرخواهی آنچه بنظر شریف میرسد و خرد و خورده بین عالی سعیدی مرقوم فرمایید تا از آن
دستور و قرار معینی شود و نتیجه از اقدام آن حاصل گردد

جواب مراسله

فدایت شوم   رقیمه عالیه زیارت شد اینکه عقیده و حسن ظن خودتان را نسبت بداره کارات
بنده ابراز و دستورالعملی از بابت امری که از طرف دیوان اعلی بجناب عالی ارجاع شده اظهار
استمداد فکری نموده بودید اولاً از شمول التفات و حسن ظن جناب عالی کمال امتنان حاصل شد
ثانیاً برای امور دیوان بعضی مایل شیخ اجل سعدی شیرازی علیه الرحمه را از طرف داریم جواب

۱- معذرت بابت قبول رجوع کردن   ۲- طلب امداد   ۳- گمان

داشته‌اند حفظ جان و تضمین آن اگرچه قضای آسمانی و مقدرات الهی در هر مورد دخالت تامه دارد

ولی چون قضا یا مکتوم است و نیات محسوس و معلوم در این باب به تجربه بعضی گرد و محسنات عدیده و فی مشهود

دیگر و نتیجه مطلوب حاصل شود که بر طبق تجربه و علمی در این کار منوط بمعاونت این و هشیار اشخاص

که بمعاونت بذل مساعی میتوانند صورت انجام پذیرد تا حدی خرده‌گیری و این عهد

وبدون همراهی ایشان یا بی بند و بالا از اشکال نخواهد بود اگر سعی و جهد نموده معاونت این دستگیر

بدرستی و بر هم در این کار حفظ جان مغتنم شمارید و هم تضمین آن

رقعه دوستانه در تقاضای ارمغان

قربانت شوم   رقیمهٔ عطوفت ضمیمه که مبشر سلامت وجود شریف و متضمن ارجاع خدمات بود

واصل و زیب یادآوریش نائل شدم و تشکرات صمیمانه خود را بدرگاه حضرت احدیت تقدیم نمودم و از

دوام انجام خدمات مرجوعه اقدامات لازمه بعمل آورده حکمی را که خواسته بودید بر طبق اراده سنیه

خودتان از وزارت جلیله خارجه و داخله صادر و تلگرافاً ارسال داشتم با تأکیدات اکیده که در اصلاح

امور جناب عالی اقدام شده است مسلم میدانم بعض و صحیح و اراده و حکومت جلیله موقع اجرا گذاشته خواهد شد

۱– خوبیها   ۲– معلوم   ۳– اسم فاعل بشارت دهنده   ۴– در بردارنده

دموجبات آسایش خاطر شریف فراهم خواهد گردید چیزی که مایه حیرت این بنده است این است

که چرا جناب عالی در حق ارادتمندان صمیمی خود غفلت میکنید و میدانید و بیش از پیش تقدیم خدمت

مینمایند از طرف ذیشرف عالی کمتر تفقد و عنایت میبینند از جمله این بنده که در تمام ارادت

و مراتب خدمت دقیقه‌ای از انجام و اجرای خدمات جناب عالی غفلت نکرده‌ام و خود را در جنب اخلاص عالی

فانی و فدائی دانسته و میدانم و از سوغات و ارمغان جناب عالی من غیر استحقاق برای دیگران میرسد

این بنده و یکی دو نفر از دوستان که خودتان بهتر میدانید و میشناسید در تا چه اندازه صمیمانه در خدمات

جناب عالی ساعی و جاهد بوده‌اند با دیگران باشیم و دیگران با کام نمیخواستم این مطلب را اظهار نکنم

بگلم فرزندی آقا رضا محرک گردید و بنده را در اظهار این مطلب متجری نمود که فکر شدم با این تفصیل

چه سوغات و ارمغان ارسال شود یا نشود در ارکان ارادت بنده نقصانی حاصل نخواهد شد   باقی قربانت

رقعه در کشف اخلاق جوانان مسرف

قربانت شوم   اگرچه هیچ وقت سرشت و طبیعت و شیمه و عادت این بنده بر آن نیست که از دایره

ادب نسبت به حضرت بگذرد و در مقام پرده دری برآید ولی چون جناب مستطاب عالی در ضمن رقیمه

۱– خالص   ۲– صاحب مقام   ۳– یگانها   ۴– جد کننده

شریفه متوکل زحمتی ایشان مبالغه و اصرار در کشف حقیقت احوال آقای ... منت موده اید لذا متمنیاً تا امر کرد بیان واقع را بدون کتمان معروض میدارد این جوان از کثرت پولداری و شرب و بعضی عادات زشت نا جنس خصایص و اخلاق را ارتکاب و فضول گردیده است که بکلی او را از حلیه ادب و انسانیت و تمیز عاری و بری داشته بطوریکه از اقدام هیچگونه اعمال قبیحه و افعال شنیعه احتراز و اجتناب ندارد و برضای و اوامر بزرگتران خود وقعی نمیگذارد و چندین مرتبه بواسطه شرارت نفس و شرارت طبیعی مرتکب جنایات عظیمه گردیده و در حق او اجرای حد و تعزیر را نموده اند باز متنبه نشده و دست از حرکات ناروا و نامعقول خود برنداشته مبالغ کثیری مالیه از مرحوم خود را بطور اسراف مصرف ساده و باد ده رسانیده بقول شیخ اجل سعدی علیه الرحمه هیچ سنگی نبوده که نخورده و هیچ سنگی نبوده که گرده شرافت خانوادگی را از لئامت اخلاق خود تیره و بدنامی کرده عنقریب کار او بفضاحت خواهد کشید که اقامت او در این شهر غیر ممکن خواهد گردید و این مختصر است که با تاریخ مقتضی از لفظ میدود و عبارات دیگری روزگار را صرف خواهد کرد در حضرت عالی لازم است در ساختن در مقام جلوگیری بر آمده که از این بیشتر افتضاحات دیگر نزد خویشان و بیگانه نگردد حداعلام

۱ـ تاکید برفتم ۲ـ وبتشده ۳ـ زیور ۴ـ برهنه ۵ـ بیهوده خرج کرد ۶ـ رسوائیها

که با کم و زیاد آنچه را که مطلع بوده بدون هیچ غرض و مرض معروض داشته ام از دیگران بپرسید که طرف وثوق و اعتماد ممکن است استعلام بعمل آید

رقعه یکنفر تاجر بطرف

قبله گاها فدایت شوم مرقومه شریفه مصحوب پست مقرره لیلی زیارت شد بشارت سلامت وجود محترم عالی موجب حصول مسرت گردید شرحی در باب وصول یک تنخواه شال کشمیری و پنج عدل ... از مرقوم و ضمناً از بابت قیمت آنها اشعار شده بود خیلی گران تمام شده است آقا گمان میکنم که خاطر شریف از اطلاعات بنده در امر معاملات خصوص در نرخ اجناس تجارتی بخوبی مستحضر و مسبوق باشد و نیز بدانید که بنده کسی نیستم در معاملات مغبون بشوم و ثانیاً گویا بنده آنقدرها رعایت شرف و دیانت خود را داشته باشم که در مقام وکالت صرفه طرف را منظور دارد و تجارت خود را بطرف خیانت معطوف ندارم استدعا دارم برای اطمینان قلب خودتان توسط بعضی از موثقین و معتمدین خود تحقیقات لازمه بعمل بیاورید پس از آنکه صدق عرایض بنده در این موضوع مکشوف شد

۱ـ زیانکار ۲ـ طرف اطمینان ۳ـ آشکارا

من بعد مال التجاره را که بنده ارسال میدارم ایراد وارد نفرمائید و بالقطع بدانید که بنده حتی الامکان از ملاحظه صرفه و منافع حضرت عالی اغماض نمیکنم راستی عادت دارم وجه بروات یکه لزوماً حواله شده است در موعد آن عاید فرمائید که تأخیر آن موجب عدم اعتبار و تخریب کار خواهد بود ابواب معاملات جاریه از هر جهت مسدود و در امر تجارت سکته وارد خواهد شد همه روزه جواب مرقومات و بعضی گزارشات را منتظرم   زیاده عرضی ندارم

مالک ملک بمباشر خود مینویسد

مقرب الخاقانا   از شرحی که راجع بنظم و نسق املاک اظهار داشته و از خوبی و فراوانی حاصل امسال توصیف نموده بودید مستحضر شدم با حسن مراقبت و دقتی که شما در انتظام امور املاک دارید غیر از این هم انتظار نداشتم اینجانب اگر اطمینان بمراتب کفایت و امانت شما نداشتم شما را انتخاب نمیکردم و بر دیگران اولویت و ترجیح نمیدادم خود شما اطلاع دارید چندین نفر داوطلب مباشری این املاک بودند من بواسطه حسن ظنی که بشما داشتم آنها را جواب یأس دادم مطمئناً با آسایش خاطر و استظهار کامل بکار خود مشغول باشید و اگر جنس در بهای یکمن دو قران خریداری

۱- جمع بابت معین دار   ۲- خاطر جمعی

دارد بفروشید وجه آنرا فوراً برات نمائید و اگر کمتر از این قیمت طالب باشند فروش آنها در آتی صلاحیت ندارد و باید بالتمام حبس بشود که در آتی تسعیر جنس در ترقی است مراد ما با رعایت صرفه بفروش خواهد رسید اینکه برای بعضی از رعایا که بصدق و امانت خدمت میکنند تقاضای خانواری نموده بودید ده خروار جنس بعنوان خانواری در میان آنها توزیع نمائید و از هر یک قبض بگیرید عند المحاسبه در حساب شما محسوب خواهد شد وصول کاغذ شما را با راپورت وقایع آنجا همه روزه منتظرم   زیاده زحمتی نمیدهم

در تقاضای توصیه استخدام

تصدق حضور مبارکت شوم   چون این اوقات قبول مستخدمین در ادارات دولتی منوط ببعضی معلومات علمی است که بقوه علمیه بتوانند بوجه مطلوب از عهده خدمات دولتی برآیند این بنده بطوری که خاطر مبارک مسبوق است پس از تکمیل دوره متوسطه در داخله چندی مسافرت بخارجه نموده در آنجا نیز بعد از لزوم مراقبت در تحصیل علوم جدیده کوشش کرده تصدیقنامه که از معلمین و ممتحنین در دست دارد از شرف لحاظ انور میگذراند شاهد صادق هست بر صدق عرض

۱- خیلی زود   ۲- قیمت و نرخ   ۳- تقسیم   ۴- در موقع حساب

چاکر بعقیدهٔ خود با این اطلاعات و معلومات تحصیلیه میتوانم خدمتی از عهده و منشیگری و مستشاری

برآیم نظر باینکه دخول در ادارات حالیه بدون واسطه و معرف قوی موجب اشکال است

با استظهار و اتکالی که بتوجهات کریمانه و مساعدت حضرت اجل دارم استدعا مینمایم

از چاکر بطوری که مقتضی میدانید بوزارت جلیلهٔ امور خارجه توصیه فرمائید که در آن وزارتخانه

پذیرفته شده مشغول خدمت شوم بدیهی است با مقتضای مرحمت مخصوص و حسن معارف پروری

از قبول این خواهش استدعا دریغ و مضایقه نخواهید فرمود   الاحقر الداعی الامضاء

در تمنای امتیاز و لقب

تصدقت شوم   در خاطر محترم عالی بخوبی مشهود است که چگونه امید و استظهار این بنده

بغیر از فضل خداوند فقط بوجود مبارک حضرت عالی است لاجرم یقین دارم با آن مراحم

که نسبت باین بنده دارید ترقیات و استعلای این بنده را قلبا مایل هستید با لطف مخصوص و ...

که در دیوان اعلی برای جناب عالی حاصل است در حضرت وزرای عظام تقبیل وزارت جلیلهٔ داخله

ممنوع الکلام و همه کاری از حضرت عالی ساخته است استدعا دارم که یک امتیاز و لقبی برای

۱- شناسنده   ۲- قبول شده   ۳- پشت گرمی   ۴- علو بلندی

بنده تقاضا فرمایند مبارک جناب در دوار سال فرمایند که این بنده هم از توجهات مخصوصه

حضرت عالی در این ولایت غربت ادارات مفتخر و ممتاز شده باین وسیله در انظار خویش نیکنام

نسبت بنده محول است شرف کامل حاصل آید بدیهی است از تحصیل این مرحمت دریغ

و مضایقه نفرموده بر مراتب تشکرات خواهید افزود   تقدیم جانثار

در تقاضای رجوع خدمت

قربان حضور مبارکت شوم   با آنکه بواسطه خدمتگذاری و مراتب صحبت و درستی و فرمانبرداری

در پیشگاه خاطر مبارک همه از بندگان عالی بخوبی مشهود است که تاکنون رجوع خدمت بنده

این بنده را معوض در رجوع فرمودید استدعا تصحیح و... اکنون تقدیم میدارد

و امور کفایت بانجام رسانیده چند مدت بی خدمت مانده از طرف ... حضرت اجل عالی

داشته که بدل عنایتی در رجوع خدمتی بنده است ... گذشته‌ها

در نهایت عسرت میگذرد و با مراتب حق شناسی و قدردانی که ...

یقین دارم که راضی نخواهید شد وجود امثال بنده بیکار و ... بماند

۱- گذشته‌ها   ۲- بخشش   ۳- گذشته

[illegible] بعرض نباید متوقع است مقرر فرمایند هر چه زودتر قصد [illegible] که بیش از این نگران نکنند بر تصدق تو
با انتظار دیدار دارم برای انجام خدمتگزاری اقدام نمایند الامر الاقدس الاعلی مطاع

در تأکید مراجعت از مأموریت

تصدقت شوم امروز بشارت دادند که جناب عالی عنقریب بسلامتی از سفر ارض بوطن مألوف عزیمت معاودت خواهید فرمود حقیقةً استماع این بشارت و اطلاع از مراجعت جناب عالی برای بنده در حکم قوه و دلگرمی بی‌اندازه بخشیده احساس یک حالت و شرافت مخصوصی را نمودم که اگر عمرم وفا نماید قریباً بحضور مبارک نائل و با درک این سعادت فائز خواهم شد از قراری که از داخل و خارج شنیده شده چنانکه منظور و مقصود حضرت عالی بوده است در این سفر با توجه بهم چندان خوش نگذشته و روزگار بر طبق مراد و مرام نگشته است و از بعضی اشخاص هم که انتظار مرافقت و همراهی داشتید در پیشرفت مقاصد و آمال جناب عالی بذل مساعدت و موافقتی نشده آنچه این بنده شنیده و علانیه تحقیق کرده ام در مرکز با عدم مساعدت حضرت وزارت پناهی برای جناب عالی کاری مناسب و خدمتی لایق معین شده است با این احوال

۱- دستی با یکدیگر ۲- باطن ۳- ظاهر

لازم است لازم توقف را در آنجا است ندانسته و هر چه زودتر اقدام در حرکت بفرمایند که انشاءالله در اینجا کارها بر وفق مرام و توسن اقبال رام خواهد بود زیاده قربانت

در انتظار دوست

قربانت شوم دیروز آقای میرزا محمد خان مخصوصاً از روی لطف بعنوان عیادت باین بنده منزل تشریف آورده ضمناً بشارت دادند که جناب مستطاب عالی امروز بنده را سرافراز از شمول عواطف کریمانه قرین اعزاز و امتیاز خواهید فرمود و از صبح تا عصر منتظر مقدم شریف نشسته با اینکه برای انجام کار فوری ناچار از حرکت بودم توقف را واجب شمردم ساعتها [illegible] این انتظار بسته ادامه یافته و اثری از تشریف فرمائی جناب عالی بظهور نرسید این بنده قطع نظر از اشتیاق زیارت حضور مبارک بعضی مطالب لازمه راجع باصطلاحات امور حضرت عالی دارم که مذاکره و اظهارش خیلی واجب و فوری است مستدعی است در صورت فراغت و مجال تشریف بیاورید و مطالب عرض و دستور العمل جدیدی داده شود که موقع خیلی باریک است و وقت بسیار کم که (الوقت سیف قاطع) زیاده قربانت

۱- طولانی ۲- وقت ۳- وقت شمشیر برنده است

در تأسف از مفارقت

قربانت شوم   شب هجران دراز جُستم من کوتاه از آن ترسیدم که تار وجود و رشته جانم زهم [illegible]

برون آید   واقعاً این ایام هجرت و مفارقتی که عنقریب بن غیر انتظار [illegible] اتفاق افتاد خیلی موجب [illegible]

گرچه سایر دوستان هریک که تسلی خود و دلخوشی در دوست دارند جز این بنده که بواسطه عدم [illegible]

تمام ذکر و فکرم متوجه آن وجود مقدس و محضر مسعود است حقیقةً مسئله انس و الفت [illegible]

عجیبی است که هیچ زبان و بیان تشریح و توضیح آن نتوانند   هر که از صحبت خود جدا [illegible]

در حقیقت [illegible]

میدانم [illegible] بحقیقت [illegible]

قسم است که [illegible]

از [illegible] جناب عالی [illegible]

فوق [illegible] اشخاص [illegible] بزرگی برای [illegible] خیال جناب عالی [illegible]

که از فیض خدمت و صحبت جناب عالی دور و مهجورم [illegible] تسلی خود را [illegible]

میدانم و [illegible] این بنده را [illegible]

۱- [illegible]   ۲- جمع [illegible]   ۳- [illegible]   ۴- [illegible]

[illegible]

مترصد و منتظرم زیارت مقدس بشوم   لا زال ایام اجلال برقرار باد

در منع از مداخله کار روشه

فدایت شوم   باقتضای مراتب ارادت و دوستداری و حسن عقیدت و خیرخواهی [illegible]

شریف را استحضاراً باین نکته متذکر و متوجه میسازم آنچه این بنده به دقت تحقیق کرده‌ام [illegible]

برای جناب عالی صلاحیت بلکه استحقاق و خبریت ندارد که خود را در مهمی و رشته دخیل و جمعی را [illegible]

کفیل شود رشته جز خسارت و ترتیب زحمت و عداوت [illegible] حاصل نگردد آنچه [illegible]

میرسد این است محض حفظ شرف و آبرو و حیثیات شخصیه خودتان بالکلی از مداخله این امر ممنوع داشته

حضرات رهبریاً از خود مأیوس نمائید که با حیثیات خود دیگری را برای این کار انتخاب نمایند و جدا

عاید را معاف دارند   بدیهی است خود جناب عالی هم به تلافی این امر رسیدگی و تحقیقات لازمه

بعمل آورده اظهارات خیرخواهانه مخلص را بالحسن قبول تلقی خواهید فرمود   زیاده عرضی ندارد

در مطالبه طلب

قربانت شوم   بعد از ادای وظایف ارادت بتصدیع میپردازد   در خاطر محترم عالی هست

۱- طلب نیکوئی   ۲- نگهداری   ۳- جمع وظایف

که این بنده اگرچه بر فرق تنگدستی و لزوم از جناب عالی کارگشائی گردم و تعیین داشتم در مروت

بدون اینکه از طرف بنده یادآوری شود خود جناب عالی اقدام در اداء دین خود خواهید فرمود

مدتها گذشت و از طرف جناب عالی ابراز اقدامی نشد و این مسئله را که آن عالم کمین پیشه تذکر دادم و عرض

نمودم ناچار بوسیله چند نفر از مخصوصین جناب عالی از کمال معقولیت و کرم پیغام فرستادم این چند بوده

وعده و لطیفه زحمت ناسکوت عذر گذاشتید تذکر دادم و به سبقیه عریضه عرض نمودم جواب باشتمال

قانع شدم باز چندی دیگر صبر نموده اثری مشهود نگردید معلوم شد که مقصود جناب عالی از ادای وجه

چون این وجه برای بنده نهایت لزوم و ضرورت داد لهذا با کمال احترام خاطر مبارک را متذکر

میشوم در ظرف این چهار روز چنانکه از طرف جناب عالی اقدام نشود بنا در این وجه ناچار از بعضی اقدامات

غیر منتظره خواهم شد موجب گله و شکایت نباشد   زیاده عرضی ندارم

رقعه معرفی از دوستی

فرا رسیدن موسم   رقیمه فخیمه که حاوی انواع تفقدات کریمانه نسبت باین بنده بود در این روز

زیارت شد موجب حصول مفاخرت گردید شرحی از اخلاق و صفات جناب مستطاب آقای

۱- شرا اینست که بنده دست چیزی که ذکر شده باشد   ۲- طلب حقوق   ۳- بیزار و زده شده و اگذر از

زبده و نقاله استفاده و استعلام فرموده بودید که بشناسید از روی حقیقت صفات جمیله محترم عالی را از آن

استحضار دارم حسب الامر معلومات و اطلاعات خود را در حق جناب معزی الیه بنظر که شما فرموده بودید

معروض و خاطر نشان مینمایم جناب معزی الیه قطع نظر از شرافت حسب و نسب و اصالت ذاتی

خانوادگی در اخلاق حمیده و اطوار پسندیده فرد منتخب و سرآمد امثال و اقران اند و از حیث

در مراتب کمالات صوری و معنوی در مسائل علوم ادبیه بحدی است که در فهم و ادراک فضیلت سبقت

موفقیت حاصل کرده اند که این دانای سخن آرای عالم خرد منشانه در شرف بیان قلم از آن

و کمال حسن جمال لطف مقال و شوخی طبع دلپسند نسبت بپاکی سرشت و خلوص فطرت در معرض اطوار و حسن

گفتار شیرین سخن اگر مغز هر کس در خواب بیند چشم کلفت در آب یکباره خویش غرق در ...

مساوات نکرده طریق مراعات سپرده از هر جهة رعایت آداب و رسوم حسن الخلق را از آن جهة معمول

و ملحوظ داشته اند و بدین وسیله مطلوب عوام و محبوب خواص گردیده اند بهر جا که رود قدر و قیمتش را دانند

و در محفل و مجلس امثال و اقران مقدم و برتر نشسته دارد حیث اراده خیر و از این نوامی

از بعضی اشخاص فضیلت و برتری دارد و روزگار شب بخشش نعمت و در کمال آسایش و راحت میگذراند

۱- جویا شدن   ۲- بلندی سخن   ۳- روانی گفتار و کلام   ۴- خسروانی

آن کریم پرهنر کف جواد دارد و در اعتبار رشش هم نزد ارباب معامله و داد و ستد سر حد کمال است این است معلومات بنده در حق ایشان از دیگران نشنیده استفسار فرمایید تا چه عرایض بنده بخوبی مفهوم و مکشوف گردد

رقعه در استقراض

قربانت شوم چون همواره خاطر محترم عالی را بنا بر رعایت حفظ حقوق دوستی در انجاح[1] مقاصد و اسعاف[2] مطالب و حوائج خود گاه موافق و مساعد می‌بینم این است که بدون هیچ ملاحظه و تردیدی رو به سوی معدن مقتضا عرض حاجت بر می‌آیم این اوقات بجهة امر مهمی برای این بنده مختصر وجهی لازم شده است که اگر در ظرف این چهار روز آن وجه نرسد ضرر فوق العاده متوجه بنده می‌شود و به هیچ وسیله جبران آن صورت امکان نمی‌پذیرد مستدعی است بذل مساعدت فرموده معادل یکهزار تومان از بنده به نوعه قبلی کارسازی فرمایید البته در راس موعد بدون تأخیر و تعویق تأدیه و تقدیم خواهم کرد اگر ادای این وجه را اهم منوط با طمینان و تأمین میدانید بهر قسم مرتضی[3] شده حاضرم که موجبات تأمین خاطر شریف را فراهم نمایم انشاء الله از قبول

۱- برآوردن حاجت ۲- انجام دادن کارها ۳- روضی

این استدعا را انجام آن بر مراتب تشکر و امتنان خواهید افزود

رقعه در رفع کدورت و رنجش

قربانت شوم چندیست که از درک فیض خدمت و حصول سعادت زیارت خود را از این دولت بزرگ محروم داشته و دامن از صحبت ارادتمندان فراهم چیده به بزم قرب حضور هم کمتر می‌شتابید در این بنده منزل بر حسب لازم میشمارند از قراری که از خارج تحقیق شده است گویا ضمیر منیر و خاطر شریف را از این بنده تکدر و رنجشی حاصل گردیده که بر خلاف مأمول[1] این بنده را از نظر التفات انداخته‌اند هر چه تصور میکنم موضوع این رنجش غیر معلوم و در عالم بندگی و ارادت هم تا کنون هیچ‌گونه مواحدت از طرف این بنده تقصیر و قصوری که موجب سلب عنایت عالی گردد واقع نشده یقین دارم بعضی اشخاص مغرض برای پیشرفت مقاصد و جلب منافع خود در مقام تفتین[2] برآمده خاطر عاطر را از این بنده ارادتمند مکدر و رنجیده فرموده‌اند استدعا دارم اگر حقیقة چه عرایض این بنده صائب است بدقایق اظهارات فتنه انگیز قائل[3] مغرض رسیدگی و تحقیقات لازمه بعمل آورده تا عدم تقصیر این بنده مکشوف گردیده پس از این باقوال این قبیل اشخاص مغرض وقعی ننهید و از لطف

۱- آرزو ۲- فتنه انگیختن ۳- گوینده

این بنده دوست صمیمی را سبب رنجیده زهی دوستی که به هیچ تقصیری رابطهٔ اخلاص گسسته

جواب مراسله بر عدم رنجش

قربانت شوم — بسعادت زیارت رقیمهٔ کریمه موفق و از بروز ملاطفت و عنایت مخصوصهٔ جناب مستطاب عالی کمال مسرت و مفاخرت حاصل نمود اینکه در ضمن مرقومهٔ شریفه اشاره فرموده بودید که به سمع شریف رسیده که گاه خدای نخواسته در میان ارادت این بنده فتوری واقع و در مشرب قلبی وداد و الفت حضور عالی قصوری حاصل گردیده است هر آینه به کلی تکذیب بنمایم و به هیچ وجه از حقیقت نیست ... ندارم با آن اتحاد کامل و ارادت ثابتی که خدمت جناب عالی دارم هیچ وقت از جادهٔ ارادت و دوام در قوائم و ارکان مودت و صفا هم تزلزل و فتوری واقع نشود اگر چند روزی فیض حضور عالی دست نداده و مشرف به حضور نگردیده‌ام به سبب اراده و رنجش خاطر نبوده بلکه از بعض گرفتاری‌ها بوده که تمام فرصت و مجال را از دست این بنده ربوده بود ... آن استقلال داشتم خاطر شریف اطمینان کامل حاصل کنم لهذا من بنده از رنجش خاطر ... کمال خلوص ارادت را هم خدمت جناب عالی دارم و در این چند روزه ...

۱- سستی ۲- برانع ۳- روشن کردن

حیات شریف بسته به مراتب ارادت و بندگی خود را تجدید خواهم کرد

در تسلیت

قربانت شوم — حقیقةً این قضیهٔ فاجعه و مصیبت تامه که علی الغفله من غیر انتظار برای آن خانوادهٔ محترمه واقع شده تنها جناب مستطاب عالی را بر آن سلسلهٔ جلیله را محزون ننموده بلکه بیگانگان را هم از این حزن و تألم محروم نگذاشت وقتی که آثار این قضیه بر بیگانگان این قسم سرایت نماید پر معلوم است که دوستان و عالم دوستی در ابتلای مصیبتی که با آن مرحوم و مغفور رابطه داشتم معلوم است که چه گذشته و می‌گذرد به حقیقت فوق قسم است آنی نمی‌گذرد که حقوق آن مرحوم در نظرم جلوه نماید و آن وجود شریف در نظرم مصور نشود و مستغرق دریای حزن و تألم نگردم از آنجایی که در بهر حجم لشکر قضا جز تسلیم و رضا چاره و گزیری نیست لاعلاج باید بود و در جنب مقدرات الهی شاکر اگر چه قلب شریف عالی به انوار حکمت است باین دقایق و نکات خود متوجه و عارف هستند ولی تذکار از این بنده هم با قضای مراتب مودت یاد آور می‌شوم که در مصیبت واقعه جزع و فزع ننماید که المصیبة للصابر واحدة وللجازع اثنان

۱- ناگهانی ۲- درد ۳- گردیدن ۴- متنفر شدن و آمدن ۵- بیتابی

امیدوارم تا آن مرحوم در خاک مغفرت غنوده خداوند متعال جناب مستطاب‌عالی و
آن فامیل جلیل را با مزید سعادت پاینده و سلامت بدارد   زیاده تصدیع نمیدهم

رقعهٔ زن بشوهر

خداوندگارا فدایت شوم   قطع نظر از رنج مفارقت و محرومی از فیض حضور بزرگوار
خدا عالم است ناصبوری و بهانه‌جوئی فرزندان بنده را بستوه آورده دقیقه‌ای از ذکر و فکر کار
غفلت ندارند و هیچ وسیله از وسائل تسلی و منصرف نمی‌شوند حتی من بنده باید در رنج و زحمت باشم
تا مرور ایام نقش خیال جناب عالی را از ضمیر آنها محو نماید علی‌الحال گرفتار و در آزارم
و به بیشتری که برای مخارج معین و حواله فرموده‌اید هر ماهه مرتباً عاید می‌شود و با اینکه صرفه‌جوئی
و قناعت در امر مخارج منظور داشته‌ام بواسطهٔ گرانی اجناس و ارزاق[1] وجه مقرری غیر کافی است
و مبلغی هم ماهه بنده را مقروض مینماید لازم است بذل توجه نموده یک مقرری کافی مقرر
دارید که جلوگیری از قرض بنده بشود زیرا که مآلاً[2] این قرض بنده بعهدهٔ خود جناب عالی
خواهد بود و ضرر زیادی نیز متوجه خواهد شد در تنظیم و ترتیب امور خانه و مراقبت از احوال فرزندان

۲- آخر کار

۱- جمع رزق بمعنی روزی

خدا شاهد است در امر تربیت آنها خاطر مبارک آسوده باشد که دقیقه‌ای از وظائف خود غفلت ندارم و خدمتگزارم
با نهایت دلگرمی مشغول خدمتگزاری هستند اقوام و منسوبان همه همگی سلامت و هر یک از هم بیشتر
دعاگو و عرض سلام میرسانند   زیاده جسارت است

کاغذ مادر بفرزند

گرامی فرزند من قربانت شوم   پس از مدت‌ها نگرانی دیروز توسط مراسلهٔ شریفه که حاوی
بشارت سلامت وجود شریف بود نائل[1] و فائز شدم بلکه بی‌نهایت مسرت دست داد از صمیم قلب
مزید عمر و عزت آن فرزند گرامی را از خداوند متعال مسئلت و درخواست نمودم وجهی که
بعنوان قیمت لباس زمستانی برات کرده بودید رسید و از ادارهٔ بانک وصول و دریافت شده فوق
العاده ممنون و مشعوف شدم در ازای بروز این محبت و ملاطفت شما را با یک عقیدهٔ خالصانه دعا
کردم و یقین دارم چون این دعا از روی حقیقت و بی‌ریا است بعز اجابت مقرون خواهد بود بهترین آرزویم
بحد اتم سلامت و از ظهور عواطف و مهربانی شما حال امتنان و تشکر را دارم و از زیارت دیدار آن عزیز
بمنتها درجه مشتاق و مایلم است تمنا[2] و خواهشی که از شما دارم این است که هرجا بروید گاهگاهی مرا مستحضر بدارید

۱- بهره ور   ۲- آرزو

و از نزد و سلامت مزاج شریف قرین استحضار و مسرتم دارید از قول شما شنیده‌ام هر گونه شرح حوادث

گزارشات خود را نگارش دارید مطلع خواهید شد   باقی زحمت نمیدهد

کاغذ برادر بزرگتر به برادر کوچکتر

گرامی برادر مهربانم فریدون توام   یکی دو هفته است با زحمت تمام در انتظار ارسال مراسله شما بوده

من و مادر و برادران از آنجا که بحث تو اندر بالفت و علاقه و مهربانی فوق العاده که در خانواده

محترمه را نسبت بشما هست و خود بخوبی آگاهی دارید احتیاج ندارد که علت محبت و غفلت شما را بنمایم

یکروز که از موعد وصول مراسله میگذرد قسمی اضطراب و آشفتگی برای ایشان دست میدهد که هوش

و حواس خود را نمیفهمند و بنوعی افسرده و دلتنگی اوقات تلخی میکنند که اوقات دیگران را نیز تلخ

میکنند تمنا دارم تعافی در ارسال مراسلات را جایز ندانسته بر فرض هم که در روز غربت مشغول

نگارش مراسله نداشته باشید ممکن است برای اطمینان و آسایش خاطر پدر و مادر عزیز و الده ضرور

دو کلمه قیمت مخابره تلگرافی را بر خود هموار فرموده نگرانی سلامت احوال خودتان را اطلاع

بدهید در هر حال امیدوارم که پیوسته اوقات وجود شریف سلامت و از اوقات به روز مقصود

۱— بلاد استثنا   ۲— وحشت نموده

و مرام مگذرد و حالت شما را پسندیده و با بر این همه شکرگزار و المنة سلامت و خوبی آب و هوا در اصلاحات

امور شما عنایت و حمایت و اهتمام را مرعی میدارم مخصوصاً از بابت حقوق دیوانی شما که

در مرکز معوقه مانده با استیفای دو نیم ساله از آن از طرف خزانه داری کل بشما قسمتی به پیشکش

استهلام نموده و مخارج و مصارفی که متعین کرده بودید رسانیده‌ام   باقی زحمت است

در تقاضای ابتیاع ملک

فریدون توام   از قراری که شنیده‌ام درین اوقات در صدد فروش املاک خود و علاقه

اصفهان خود بوده‌اند و دو یکی هم رفته‌اند راهم در نزد بعضی اشخاص متمول که مایل بابتیاع املاک

اصفهان هستند واسطه فرستاده‌اید که آنها را اوراد بابت ام این معامله هستند چون مدتی است در اصفهان

منصوبی و مباشر امور بابت بوده و از املاک واقعه در بلوکات خصوص بلوک ماربین که املاک جناب عالی

در آنجا واقع است اطلاعات کامله دارم مایل در اختیار ابتیاع یکی دو قریه از املاک جناب عالی

هستم چنانکه این خبر صحیح و شما در قصد فروش املاک هستید دقیقی مرا معلوم فرمایند تا حضور

شده بعد از مذاکرات لازمه قراری در امر معامله و مبایعه داده شود و اگر این خبر با صحت خالی از

۱— طفره   ۲— مدخل   ۳— خسیه   ۴— بلا تردید

موضوع بوده است آرزامندم مرقوم فرمایند تا بنده بشنیدن مطلع و مشرف شوم زیاده زحمت نمیدهد

در تشکر از اهداء هدیه

قربانت شوم رقیمهٔ شریفه ضمیمهٔ یک فرد قالیچه بعنوان هدیه از امتنان اعلی را اهداء شده بود زینت وصول داد و بر مراتب تشکرات قلبیه و امتنانات فوق العاده افزود و مقتضیات بزرگ منشی و بنده پروری همین است که معمول میفرمایند و هر روزی بوسیله ارادتمند آن خود را مشکور و ممنون میسازید خدای در عوض جنابعالی جزای خیر دهاد که آنچه داده باضعاف آن بسر اهداء از خداوند متعال توفیق تلافی و تأیید خدمتگذاری میخواهم زیاده ایام اقبال برقرار باد

رقعهٔ گله آمیز

قربانت شوم منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا زین هر دو جز نام نماند چو سیمرغ و کیمیا

با اینکه این بنده در شرایط دوستی و ارادت آنی فروگذار نکرده و در مراتب شکرگذاری درجات سائغ و فواید جنابعالی دقیقه غفلت و کوتاهی نورزیده و چندان چون دیگران طامع و دربند منافع شخصی نبوده جز شکرگزاری از خود جنابعالی در مواقع مقتضیه از حقیقت صفا و صدق و وفای این بنده تمجید

۱- شکرگزاری ۲- چند برابر ۳- سستی ۴- طمع کننده

و اظهار امتنان میفرمود این بنده نیز در همه جا و نزد همه کس جناب عالی را بمکارم اخلاق و محامد صفات میستودم و گمان میکردم این دوستی دائمی و باقی و لایزال است و از شائبهٔ هر فساد دور ارکان این دوستی و اتحاد متزلزل و مستور واقع نخواهد شد خود غلط بود آنچه ما پنداشتیم زیرا که جنابعالی اولین مخرب این بنا واقع شده اید چنانکه از برای یک جزئی فواید شخصیه بعضی از شرایط عوالم دوستی چشم پوشیده اید و در اتفاق و دوستی را بتبدیل بدشمنی نموده در نزد بعضی اشخاص غیر مناسب بدون سبب اقدام باطالهٔ لسان و اسائهٔ ادب نموده و بپاره نسبتهای که لایق آن جناب و این بنده نبوده در صدد اقدامات غیر منتظره در شکست و توهین بنده برآمده اید

کشتی مرا به دوستی و کس نکشته بود زین زار تر کسی را هرگز بدشمنی

با اینکه بعضی خدا قدرت مکافات و تلافی را دارم ولی شرافت انسانیت مانع از بعضی اقدامات است مسلم است که منتقم حقیقی در موقع مکافات خواهد کرد

هر بد که میکنی تو مپندار کان بدی ایزد فرو گذارد و گیتی رها کند

قرض است کرده های بد پیش روزگار در هر کدام عهد که خواهد ادا کند والسلام

۱- زبان درازی ۲- بی ادبی ۳- انتقام کشنده

کاغذ پدر به پسر

مکرم فرزند مهربان من — مختصر مراسله مرسوله که حاوی بشارت سلامت آن فرزند گرامی بود
موجب حصول امتنان و مسرت گردید بیشتر از حال شما نگارید بعضی از آنچه در آن مراسله مسطور بود در این ایام
و در این گوشه غربت باعث تسلی گردید و این پیشرفت خط شما نسبت به سابق شکوه و صورتی گرفته و حقیقتاً قابل
تمجید بود گمان میکنم صفای کتبی هم در مزاج شما اثر بخشیده و تغییری داده چه یکی از رشته های غفلت را
گسسته اید خیلی خوشوقت شدم و از صمیم قلب شما را دعا کردم تنها شکری که دارم این است که احتیاج
و ضرورت مرا مجبور کرد با این مسافرت و از مراقبت و تکمیل تربیت شما باز بمانم ورنه چنانکه خودم
و خاطر من بود با کمال قوت و اهتمامی که در کار تحصیل و تدریس شما داشتم بالطبع یقین دارم حالا
ترقی میکردید عزیز من اگرچه جناب مستطاب شیخ سلمه الله تعالی بعد از مقدور در حفظ و عطیه طبیعت خود
نسبت به تربیت شما اهتمام دارد و خیلی هم از ایشان ممنونم ولی هیچکس دلسوزتر از پدر و مادر برای فرزند نمیشود
و عجالتاً که روزگار مرا از شما دور و مهجور ساخته تکلیف شما نسبت به شما این است که در فکر روزگار
آتیه خود باشید و دقیقه از کار تحصیل غافل و فارغ نشوید که شرافت و افتخار انسان بر سایر افراد نوع

۱- جویا ۲- درکش فولادی ۳- آینده

خود فقط تحصیل دانش است   دانش طلب و بزرگی آموز   تا به نگرند روزت از روز
چون لوازم تحصیلیه شما نسبت به پیشتر بیشتر شده بیست و سه تومان حواله کردم همه ماهه بشما برسانند در آن
تمنا و خواهش من این است که این وجه را جز بمصرف کار تحصیل خود بمصرف دیگر نرسانید
زیرا که شما جز تهیه لوازم تحصیلیه مصرفی ندارید و کلیه اساس زندگی شما از مأکول و ملبوس آنچه
هست مرتب کرده ام اگر رضایت مرا طالب باشید باید آنی از کار تحصیل فارغ ننشینید چون
مجال ندارم بیش از این نمینگارم   والسلام

مراسله پدر به پسر در دستور حکومت

مکرم فرزند محترم من   خیلی تشکر دارم و خوشوقتم که بظهور کفایت ذاتی و بروز استعداد
فطری امروز از طرف دولت بخدمت بزرگی نائل و مزید شرف و افتخار این خانواده را
باعث شده اید چون من بسی روزگار دیده و تجارب حاصل نموده و بعلاوه بمقتضیات وقت
عارف و مستحضرم بلازمه حب فرزندی و خیرخواهی واجب شمردم که از وضع حکومت این
دوره مختصری بعنوان دستور حکومت نگارش دهم که بر طبق آن رفتار و معمول دارید

۱- فراهم کرده شده ۲- جمع تجارب

تا همیشه بین اقران سرافراز باشید

نخستین وظیفهٔ در جستهٔ حاکم و نمایندهٔ دولت مشروطه در هر یکی از ولایات و نواحی مملکت منصوب
و منتخب میشود این است که بقوهٔ عقلیه و تدابیر عاقلانه و نور دانش استعداد فکریهٔ چند نفر از عقلا
که طرف اعتماد و اطمینانند برای حصول رفاهیت عموم و مزید امنیت آن مرز و بوم ریشهٔ فساد و
ظلم و استبداد را قطع نماید و عامهٔ افراد اهالی را از حیث حفظ حقوق بچشم مساوات نگرد و طالب
رعایت جانب یکی را فرو نگذارد و بعبارهٔ اخری سید قرشی را با عبد حبشی در امر حقوق مساوی
داند حق را بمن له الحق برساند حفظ عرض و ناموس و مال و جان اهالی را بدون استثنا از واجب
شمارد و از نفس اماره و خود بحکم عقل جلوگیری کند و چشم از رشوه و تعارفات بیجا
بپوشد و بحقوقی که دولت برای او معین فرموده قناعت نماید اما اگر از این وسیله
آلوده شد و اگر هیئت دولت را باین شیوهٔ مرضیه از خدمات خود راضی و خشنود دارد
تا حکومت او استقلال و امتداد یابد و اگر غیر از این رفتار نماید دولت مجبور است از
انفصال و عزل او خواهد شد قطع نظر از اینکه مجازات قانونی نسبت به یک یک از

۱- اول ۲- طرفداری کردن ۳- جدا کردن

در اعمال خلاف رویهٔ جاریه خواهند کرد تا دائم الحیوة از رجوع خدمت محروم و دوار
از نزد او عزلت و ستم و ذلت و مسکنت گرفتار و مسموم خواهد. چون اول خدمت و حکومت
که از طرف دولت بشما رجوع و مرحمت شده است باید در حفظ نیکنامی خود بکوشید و مراتب
صحت عمل و کفایت خود را کاملا مشهود سازید تا این حکومت شما اسناد بار برتری من قضای
وقت انفصال شما را لازم دانسته بخدمت بزرگتر شما را منصوب نمایند محض خیرخواهی
اصول حکم الذر را یادآوری کردم

گفتن ز من از تو کار بستن باید که گذارش نمیدهم

رقعهٔ دوستانه

فدایت شوم مشتاقی و صبوری از حد گذشته است زیارت حضور مبارک را
زیاده از حد تصور مشتاق و آرزومندم چنانکه برای آن وجود محترم مقتضیات فراغت و
موجود و مانع مفقود است مستدعی است محض کمال مهربانی و عطوفت جناب سرافراز و قرین
شرف وافرم فرمائید که بکرات ممنون خواهم شد

۱- تمام زندگانی ۲- گوشه نشینی ۳- نایاب گشته

اصل دوم مبنی بر سه فصل

فصل اول ـــ در انواع فرامین

(فرمان امتیاز)

چون مراتب کفایت و قابلیت و خدمات صادقانه جناب رفیع القدر فلان معین وزارت جلیله داخله در پیشگاه خاطر معدلت آثر شاهانه مکشوف و مشهود افتاده و مظهر الطاف خسروانه و جالب حسن توجهات ملوکانه گردیده علیهذا بتصویب جناب مستطاب اجل امجد اشرف افخم مهین دستور معظم رئیس الوزراء دامت شوکته در این فرمان مبارک معزی الیه را بعطای یک قطعه نشان از درجه اول مفتخر و قرین امتیاز میشود که موجب مزید استظهار و امیدواری معزی الیه شده بیش از پیش مراتب خدمات لایقه خود را بمنصه بروز و ظهور در آورده و مقتضی است که عموم طبقات اعضا و اجزای دولتی از ادارات نیز معزی الیه را دانسته توقیر و احترام او را منظور داشته و در عهده شناسند بتاریخ شهر فلان سنه فلان

فرمان حکومت

چون برای فرمانفرمائی و حکمرانی ایالات و ولایات ممالک محروسه انتخاب اشخاص لازم است که

۱ـ بجو دیگری ۲ـ بزرگ

بصفت عقل و اصابت رأی و حسن سیاست امور و مزید دانش و عدالت موصوف و معروف و بصیرت شناسند که تا توانند حکام مبنی از عهده خدمات دولتی و حفظ قواعد و قوانین مملکتی و امنیت ملک و تهیه لوازم آسایش رعیت بر آیند از جمله جناب مستطاب اجل فلان که از نخبات رجال دربار معدلت مدار بکاردانی و صفات مذکوره موصوف و مکررات مصدر خدمات عمده و مهمه گردیده و آنکه مدت ها بحسن کفایت و درایت بانجام داده و مراتب عدالت مردم داری و محاسن صفات و خدمتگذاری خود را در پیشگاه همایون ما بثبوت رسانیده مشهود داشته و خاطر همایون ما را از حسن خدمات خود قرین کمال رضامندی و خشنودی داشته علیهذا بتصویب جناب مستطاب اجل اشرف ارفع افخم مهین دستور معظم رئیس الوزراء و وزیر داخله دامت شوکته در این فرمان واجب الاذعان بفرمانفرمائی خطه وسیعه آذربایجان منصوب برقرار میشود که عاجلاً با استعداد کافی بمقر مأموریت و مقر ایالت خود عزیمت نموده لدی الورود موافق دستور و تعلیمات وزارت جلیله داخله بوظایف و تکالیف مقرره خود اشتغال و کیفیت را سرکوب و موجب حصول امنیت و انتظام مأموریت خود در این جمیع لحظات فراهم و خاطر اولیای دولت جاوید آیت علیه را از این جهت قرین آسودگی دارند مقتضی است که عموم افراد آن مرز و بوم

۱ـ همچنانکه سزاوار است ۲ـ عاقلی ۳ـ منظم در آوردی

معزی الیه را فرمانفرمای با استقلال آذربایجان دانسته از اوامر و نواهی فرمانفرمای معزی الیه تخطی ننموده مخالفت را موجب سیاست دولتی دانسته در عهده شناسند

فرمان سرکردگی

چون حصول نظم و انتظام مملکت و آسایش و امنیت افراد ملت و حفظ و اصلاح ایالات و ولایات مربوط و منوط بقوای نظامی قشون دولتی است و از برای هر یک از حدود مملکت نیز عده و استعداد قوای نظامی و از برای سرکردگی و ریاست آن قشون و استعداد نیز انتخاب یک نفر شخص مجرب کافی کارآزموده لایق و عالم بفنون نظامی واجب است لهذا برای ریاست و سرکردگی کلیه قشون نصرت نمون ایالت آذربایجان امیرالامراء العظام سردار معظم که یکی از تربیت یافتگان دربار آورده‌گاه دولت علیه روزافزون و بزیور کفایت و شهامت معروف و عالم بفنون نظامی و از هر حیث لایق است بصدور این فرمان مبارک و تصویب وزارت جنگ منتخب و منصوب شد و مقرر گشته صنوف و افراد قشون آنجا معزی الیه را رئیس بالاستقلال خود دانسته سرپیچی و تخلف از اوامر مطاعه و نواهی معزی الیه را موجب تنبیه و سیاست نظامی دانسته در عهده شناسند فی شهر فلان سنه فلان هجری

۱- جمع تهیه ۲- صفت مشبهه یعنی حاضر شدنی ۳- شجاع و دلیر ۴- جمع صنف

ملفوفهٔ فرمان

فرزند برومند کامکار رضاعلی میرزا به مراحم شاهنشاهی مفتخر و مباهی بوده بداند که از تربیت زندگانی و تجربه‌های گذشته برای سلاطین با عز و تمکین احکام شرعی را احترام بهتر از اجرای قوانین عدالت نسبت بحقوق خداوندی و ناموس ملت نخواهد بود علی‌الخصوص سلاطین و حکام اسلامی که احکام مقدسه و قوانین شریعت را چاشنی شربت عدالت و حصول آسایش ملت یکی از تکالیف واجبه آنهاست بر کسی پوشیده نیست تا کسی بر مسند علیحده ننشینند و مقدم در اجرای امر عدالت نشوند لذت و کیفیت سلطنت یا حکومت را درک نخواهد کرد و بتوسط کفایت و درایت خود در آن جمله ظهور و شهود در نخواهد آورد چنین خطیر شاهانه را آن فرزند به نیت تامه کامکار یکنوع محبت و مرحمت فوق العاده است ارادهٔ شاهانه ملوکانه در آن تعلق یافت که آن فرزند مذاق خود را از حلاوت عدالت شیرین نماید و مراتب خود را در لیاقت حکومت و فرمانروایی از روی حق و عدل ظهور سازد علیهذا مقرر فرمودیم جناب اشرف رئیس الوزراء حکومت یکی از ولایات را نامزد شما نماید و مکلف است از کفات رجال را که مراتب عقل و کیاست و فهم و درایت ایشان برتر و مشهود باشد برای پیشکاری و معاونت آن فرزند مکرم منتخب و معرفی کنند که عاجلاً از کار شما را

۱- جمع تکلیف ۲- مصدر چشیدن ۳- جمع کفایت

بقیه مکرمت عزیمت نمود. از لحاظ خدمات و حسن رفتار متوفی خاصه مهر مقام پسر مرحوم کارگزار

قرین مسرت و خشنودی ما گردید

فرمان مواجب

چون همواره پاس حقوق و خدمات صادقانه و التفات ما رعایا نسبت به اخلاف و احوال بازماندگان چاکران

فریضه ذمت همت ملوکانه بوده است لهذا مرحوم فلان که سرمایه عمر خود را با کمال

خلوص نیت صمیمانه در امر خدمتگزاری و جان فشانی دولت ابد مدت قاهره بمصرف رسانیده

خاطر همایون ملوکانه را از حسن خدمات لایقه قرین کمال رضامندی و خشنودی داشته

در این موقع که برحمت ایزدی پیوسته محض شمول مرحمت حقوق دیوانی آن مرحوم را بتصویب جناب

مستطاب اجل اشرف افخم همین دستور معظم . . . رئیس الوزراء بصدور این فرمان واجب

الاذعان همایونی مطابق قانون متوفیات مصوبه مجلس شورای ملی تشخیص داده اند ارکانه در حق جناب

و لذا مرحوم مغفور مرحمت میشود که همه ساله از خزانه عامره دریافت داشته بخدمات و

جان فشانی دولت گردن مدت علیه اشتغال ورزند مقرر آنکه متصدیان امور دولت علیه شرح

۱- گذشتگان ۲- بازماندگان ۳- قصد بی

فرمان مبارک را ثبت و ضبط نموده و در عهده شناسند فی شهر فلان

دستخط همایونی راجع بانتخاب رئیس الوزراء

از آنجا که دقایق لیاقت و کاردانی و نتایج حسن خدمت و دولتخواهی جناب مستطاب اجل اکرم افخم

همین دستور معظم امین الدوله در روزگاری دراز در مشاغل معظمه و خدمات مهمه دولتی مشهود

پیشگاه جهان پناه خسروانی افتاده و از قدیم بر خدمت نهایت غیرت و درایت و اصابت رأی

و صحت تدبیر را بظهور رسانیده لذا منصب جلیل ریاست الوزرائی که از مشاغل خطیره دولت

روز افزون همواره مستلزم توجه اهتمام جناب معزی الیه مفوض و واگذار میشود

که با کمال استظهار بمراحم کامله ملوکانه ورود در عملیات این شغل خطیر نموده وزرای مسئول

دولت علیه را بحسن سلیقه و عقیده خود از میان کفات رجال انتخاب معرفی نماید که هر یک

مشغول خدمات دولتی شده دوایر دولتی را با مسئولیتی که دارند بهترین انتظام بخشند

و اغلب امور مهمه مملکتی بتوسط رئیس الوزراء از شرف عرض پیشگاه همایونی بگذرد

فی شهر فلان سنه فلان هجری

۱- جمع منشیه ۲- بزرگ ۳- هنگامه

فصل دوم ——— از صنف دوم

در انواع احکام دولتی

(حکم ریاست نظمیه)

چون برای ریاست نظمیهٔ شیراز انتخاب یک نفر شخص کافی کاردان مطلعی که واقف بقواعد و قوانین ادارهٔ نظمیه و عارف بمقتضیات ترتیبات جدیده باشد تا بتواند بقوهٔ دانائی و کفایت از عهدهٔ انجام این امر بر آید و شهر شیراز را از هر جهة قرین انتظام و امنیت برقرار نماید لازم بود عالیجاه آقای ... که بمراتب غیرت و کفایت و صحت عمل و حسن خدمت معروف و موصوف است و چندین سال در ادارهٔ نظمیه [illegible] سمت عضویت داشته و از قواعد و قوانین جدیدهٔ ادارهٔ نظمیه نیز کاملاً مستحضر و مطلع و باداره کردن آن قادر و قابل است لهذا بصدور این حکم بریاست نظمیهٔ شیراز انتخاب شد که پس از ورود بمحل مأموریت اقدامات لازمه در ایجاد و تکمیل ادارهٔ نظمیه بوضع جدید بعمل آورد و موجبات انتظام و امنیت شهر را فراهم آورند و در پیشرفت مأموریت معزی الیه بدیهی است از طرف ایالت جلیلهٔ فارس همه قسم مساعدت و همراهی بعمل خواهد آمد

۱- اسم فاعل قسم دهنده ۲- شناسا ۳- بزرگ

[illegible] در انجام این امر صادر شد فی شهر فلان

حکم ریاست عدلیه

نظر باهمیت امور عدلیه که مربوط و منوط بحفظ حدود و حقوق افراد ملت است و بسط اساس دادگری و تکمیل آن در هر یک از ایالات و ولایات ممالک محروسه لازم و از فرائض امور مهمه است و برای ریاست این ادارهٔ معظمه در ایالات و ولایات ممالک محروسه انتخاب اشخاصی لازم است که عارف بقواعد و احکام شرعیهٔ قضائیهٔ دین مبین اسلام و واقف بقوانین موضوعهٔ عدلیه بوده و نیز بمراتب کفایت و درایت و صداقت و دیانت معروف عموم باشند لهذا جناب فلان که بمزایای صفات مذکوره متصف و طرف وثوق و اعتماد وزارت عدلیه است بصدور این حکم برای ریاست عدلیهٔ خراسان منتخب و مأمور میشوند که حسب المقتضی بمأموریت خودشان عزیمت نموده پس از ورود ادارهٔ عدلیهٔ آنجا را با رعایت مواد قوانین مربوطه دائر و منظم و در احقاق حقوق ثابتهٔ اهالی اقدامات لازمه بعمل آورده و موجبات آسایش و آسودگی اهالی را از این جهة فراهم نماید و در پیشرفت این مأموریت مهمه بدیهی است که ایالت جلیله از هیچگونه مساعدت

۱- پراکندن ۲- مرتبت و رجحان ۳- جمع ماده

مضایقت نخواهد شد که حتی حقوق ثابتهٔ اهالی بعهدهٔ تعویق افتد لازم است که

هر هفته راپورت امور محوله آنرا بوسیلهٔ پست بوزارت جلیله ارسال گرداند شهر فلان

حکم ریاست مالیهٔ فارس

چون برای وصول و ایصال مالیات فارس و متوجهات دیوانی از مستقیم و غیر مستقیم آنجا

انتخاب شخص امینی که بمراتب کفایت و لیاقت آراسته و از قواعد امور مالیه و محاسبه

کاملاً مطلع و مستحضر باشد لازم بود لهذا جناب ... بتصویب خزانه داری کل برای

ریاست مالیهٔ فارس معین و منتخب میشوند که عجالةً عزیمت نموده موافق دستورالعملی که

از طرف خزانه داری کل داده میشود معمول و رفتار کرده و کلیهٔ مالیات و متوجهات آنجا را

وصول و ایصال دارند و عموم مؤدیان مالیات و بندگان آنجا باید معزی الیه را

بریاست مالیهٔ فارس شناخته مالیات خود را نقداً و جنساً مطابق حواله جات و اطلاق

معزی الیه تأدیه نمایند خط و مهر ایشان را معتبر و برای خود سند دانند

فی شهر رجب المرجب سنهٔ فلان هجری

۱ـ گره ۲ـ رسانیدن ۳ـ [illegible]

فصل سوم ــــ از قسم دوم

در مراسلات رسمیهٔ اداری

عریضهٔ اطلاع بوزارت جلیلهٔ داخله مبنی بر رضامندی از حسن سلوک حکومت و تقاضای ابقای او

مقام منیع رفیع وزارت جلیلهٔ داخله دامت بقائه

علم الله از حسن سلوک و رفتار و طرز اعمال و کردار حکمران معظم فلان اهالی این ولایت از ادانی

و اعالی در مهد امنیت و رفاهیت و آسایشند که زیاده بر آن متصور نیست از روزی که حکمفرمائی

کرده نه در هیچ عصر و زمانی مردم تا این درجه آسوده و در راحت بوده و در این ولایت حاکمی باین عدل

و نصفت بمسند حکومت ننشسته یکی از مزایای فضایل این حاکم محترم بر سایر حکام سلف اینکه قوانین مشروعه را

مطاع و قواعد حکمیهٔ سیاست حکومتی ربط کامل داده هم ترتیب صیانت ولایت را بهتر و محکم و هم اساس

قواعد دیانت را باین تهیه مستحکم نموده الحمد تمام اهالی از بسط و نشر عدالت ایشان کمال ممنون و از ظلم و اعتساف

متعدیان آسوده و مأمونند و اشرار و قطاع الطریق از خوف سیاست این حاکم عادل گریزان و مرعوب از او اند

۱ـ انصاف و داد ۲ـ محکم ۳ـ حفظ ۴ـ ترسیده شده

مسموع و مذکور گردیده که اولیای آن وزارت جلیله در قضیه تغییر حکومت فلان داده اند اگرچه از وجه طبیعت بنده نمایان خارج است که در مقام متابعت قانون اساسی جلیله و یا در مصالح امور مملکتی دخالت و اظهار رای و عقیده بداریم بر ما لازم و فرض است که محاسن اخلاق حمیده و رفتار پسندیده آن حکومت را از روی حقیقت بعرض و مراتب رضامندی و تشکرات اهالی را از ایشان معروض داریم این است که حسب الوظیفه جسارت شده انفصال ایشان را موقوف برای اولیای آن وزارت جلیله است معتقد را عرض میکنیم که برای امور ولایت حاکمی بهتر از ایشان نمی شود تا رای اولیای دولت جلیله چه اقتضا نماید

جواب از طرف وزارت داخله

جناب مستطاب آقای آقا سید ... ادام الله مجده و سایر علمای اعلام و خوانین عظام و تجار محترم مازندران مراسله محترمه مشتمل بر اظهار رضامندی از حسن سلوک و طرز رفتار حکمران و تقاضای ابقای حکومت ایشان وصول و وارد و اولیای وزارت داخله از مراتب کفایت و حسن سلوک و صحت عمل ایشان کاملاً مستحضر و نهایت رضامندی را دارد و در هیچ مورد از بذل مساعدت و تدارک وسائل پیشرفت منظور ایشان در امر حکومت مضایقه نشده و بحمد الله امیدوارم که این قبیل حکام کافی مردم را از خصوصیات ایشان بخوبی مشهود و معلوم گردیده

۱ـ پرورشتن ۲ـ دربردارنده ۳ـ سینها

تجدید و تحسین وزارت داخله هستند ثانیاً اینکه مسموع شده است وزارت داخله در خیال تغییر حکومت اینجا افتاده بعضی انتخاب بالصراحه خالی از حقیقت است حکومت آنجا که ما کاملاً مستقلاً متعهد وجود و دارایی والبر منفصل نشده لذا تمنا وجود ایشان برای انکشاف مطلب حقی در ارتقای ترویج نزدم باقیه حکم شده است از جانب خود یکنفر نایب الحکومه اسمی معین نموده موقتاً بدار الخلافه عازم شوند بعد از انجام و اختتام آن امر مهم مجدداً مراجعت خواهند کرد آسوده خاطر باشید

عریضه اجماع بوزارت جلیله داخله در شکایت از حکومت

مقام منیع رفیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

با اینکه فطرت پاک و گوهر تابناک اولیای آن وزارت جلیله همواره معطوف باشاعه عدل و داد و استرفاه احوال بنده و آزادی است متحیریم چه باعث شده و که محرک گردیده که برای این ولایت برخلاف اراده و نیت حضرت اشرف ارفع عالی دامت شوکته حاکمی منصوب گردد که با اخلاق ردیه ظلم و اعتساف منسوب و عالم بر حقیقت شود که باعث نواده جور و اجحاف مربوط باشد آبادی خود را در خرابی خانه رعیت و ویرانی دلهای یک مشت ملت خواهند دانست و مستترست ضمیر خود را از دیگر ... ملت

۱ـ معلوم داشتن ۲ـ پراکندن ۳ـ پست و بد

خاطر یک جمع مردم جبراً و پریشان بروزگار خدا داری و چه هست از روزی که این شخص محترم قدم به این ولایت گذارده با علی درجه‌ای که ستم و تعدی را داده است احدی نیست از اهالی و دوائر که چشیده بر داغ ستم او محترم نشده و از هیچ موقع برای پیشرفت مقاصد و جلب منافع او دست از ظلم و تعدی نکرده باشد و از ارتکاب اعمال غیر مشروعه اندیشه نه از مسئولیت وزارت متبوعه خود بیمی دارد درجه ظلم و اجحاف او بحدی رسیده است که موالیان و منابان او هستند از اخلاق رذیله و اطوار ناپسندیده او بجان آمده که آنها هم مستاء و علانیه از او شاکی و ناراضی هستند در این صورت حال اسف‌آور اهالی بخوبی معلوم و مشهود میشود که از دست بیداد چه میکشند حکومت بدست کسانی است که از دستجات و دستهای مزبور هستند از حضور انور مستدعی هستیم که اگر بعرایض صادقانه وقعی بگذارند و موقع قبول نیستید به انحراف مفتش بیغرض بیطرف بدون اطلاع او مامور و اعزام فرمایند که در اینجا حاضر و با عمال این شخص محترم شود بعد از استکشاف از احوال او حقیقت امر را بحضور انور معروض دارد با اطلاعات از اعمال و حرکات او باقتضای مراتب عدالت قراری که مستلزم آسایش و آسودگی اهالی رعیت باشد از طرف آن وزارت جلیله داده شود و الا اگر این جبر و اجحاف دوام داشته باشد

۱- داغ شده ۲- پست و زشت ۳- مکشوف داشتن ۴- ظلم کردن

و امید داریم که از و عنقریب رعیت فراری و متواری میشود و ولایت نیز از حیث نظم و جلیه آبادی خراب است و تا رای انور چه اقتضا فرماید   الامر الاجل الاعلی مطاع

جواب از وزارت داخله

عموم ملت، علما و خوانین عظام و تجار محترم استرآباد زید تاییده تلگراف مشروحه متحد که از شکایت از سوء سلوک و رفتار و حرکات بی‌رویه و نامشروع حکومت استرآباد وصول داد اگرچه وزارت داخله بعضی از موضوع این اظهارات با اطلاع و تا حدی جزئی از اعمال حکمران بطور وضوح مکشوف و مشهود گردیده و این امر شکایتی است که در این مدت چندی از اهالی و وزارت داخله رسیده ولی برای استکشاف از حقیقت امر بطوری که خودتان تقاضا کرده‌اید در این روزها یک نفر مفتش معتمد بیطرفی منتخب و مامور خواهد شد که با کلیه امورات و حرکات بیغرضی از جزئی و کلی امور آنجا رسیدگی و تحقیقات لازمه را بعمل آورده مشهودات و معلومات خود را به وزارت داخله پیشنهاد نماید آنوقت با اطلاع و استحضاری که از اعمال حکمران و اوضاع آنجا حاصل شده قراری که مستلزم حصول امنیت و آسایش عموم اهالی باشد داده خواهد شد

۱- پنهان و پوشیده شده ۲- شکفته گرده و دیده میشده

بیموریت مستعد ادکافی از سواره و پیاده با یک عراده توپ بسرکردگی یکنفر صاحبمنصب لایق مجرب
کارآزموده بسبزوار اعزام دارید که جبلاً در مقام قلع و قمع آنها برآمده و تمام آنها را بسته دستگیر
و آن صفحه را از لوث وجود آنها پاک و منزه نمایند البته حکومت آنجا هم در این مدت با مأمورین
دستورالعمل لازمه خواهید داد که در مواقع مقتضیه همه قسم مساعدت در پیشرفت این امر
مهم بعمل آورد و نتیجه این اقدامات سریعه را متعاقباً بوزارت داخله اعلام نمایند

جواب تلگراف

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

حکم مطاع تلگرافی راجع بقلع و قمع و دستگیری اشراری که در حدود سبزوار بنای جسارت و شرارت را
گذاشته طرق و شوارع را ناامن نموده و از جاده بیراهه معدودی ریاست گردیده قبل از تقدیم این ابلاغ از وزارت
مقام منیع آن وزارت جلیله ایالت خراسان از این قضیه مستحضر و علی الفور در مقام تهیه استعداد
کافی برآمده بطرف سبزوار اعزام داشت موافق راپرتی که جدیداً رسیده دسته قشون دولتی با جمعیت
اشرار تصادف نموده پس از زد و خورد زیاد چند تن از اشرار مقتول و مجروح گردیده بقیه

حکم تلگرافی وزارت داخله بایالت خراسان در دستگیری اشرار

ایالت جلیله خراسان

از قراری که جدیداً از مرکز سرقتها بوزارت داخله راپرت رسیده جمعی از اشرار و مفسدین الفسد دست
اتفاق و اتحاد بیکدیگر داده رشته نظم و انتظام حدود سبزوار و نیشابور را از هم گسیخته طرق
و شوارع را ناامن و دو از حلیه امنیت انداخته اند مختصر استعدادی هم که از طرف حکومت سبزوار
برای جلوگیری آنها اعزام شده بواسطه کثرت جمعیت اشرار تاب مقاومت نیاورده منهزم و مغلوب
شده و موجب تجری آنها گردیده آنچه توانسته اند از نقود و لوازم و نقدی تعدی بکرده اند آزار و گزند
نکرده مبالغ کثیری از اموال مردم منهوب و چند نفر را هم در عرض راه مقتول نموده اند
استعدادی موجود نیست که بتعاقب آنها فرستاده که جوانب و اطراف آنها را تفتیش و دستگیر
نمایند البته جناب مستطاب عالی هم از این قضیه مطلع شده اند حقیقةً این مسئله در خدمت وزرا
عظام موقع[۱] دلتنگی گرفته است و رفع و دفع و قلع و قمع اشرار و اعاده نظم و امنیت
آنحدود و تهیه آسایش اهالی را بسرعت تأکید فرموده اند بوصول این تلگراف و استحضار از مفاد آن

۱- زیور و زینت ۲- درازدستی ۳- درنگ انداختن ۴- از بیخ کندن

تاب مقاومت نیاورده منهزماً رو بفرار گذاشته قشون دولتی آنها را تعاقب کرده‌اند مخصوصاً برگرده
سوارها تلگرافاً تاکید شده که از تعاقب آنها غفلت نورزیده در هر نقطه که باشند آنها را زنده یا کشته دستگیر نمایند
ان‌شاءالله عنقریب آنجا از لوث وجود آنها منزه و مامون خواهد شد

ایالت جلیلهٔ آذربایجان

از قراری که آقای اسعدالسلطنه (رئیس نظمیه) سیناب نسبت باملاک و علاقجات ایشان از طرف شاهسونها
تعدی و تطاول فوق‌العاده شده و خسارات بی‌اندازه وارد آورده‌اند چون ملاحظه و رعایت معزی‌الیه بواسطه
سوابقی که در خدمتگذاری دولت دارند لازم است البته مقرر فرمایند در این موضوع بطور مخصوص
رسیدگی و تحقیقات لازمه بعمل آید و آنچه از اموال شخصی و رعایای ایشان از طرف شاهسونها بغارت رفته
سرکردهٔ آنها را ملزم باسترداد نموده هرچه زودتر مسترد دارند که موجبات آسودگی ایشان فراهم شده
رفع شکایت بشود و نتیجه اقدامات بوزارت داخله اعلام نمایید

حکومت جلیلهٔ کرمانشاهان

از بروز اغتشاش و عدم نظم و ترتیب آن صفحات و تجری ایلات بعضی شایعات داده‌اند چند فقره تلگراف بوزیر

با امضای بعضی اشخاص غیر معروف متضمن شکایت فوق‌العاده و بی‌نظمی آنجا رسیده است حقیقة
این مطلب بر وزارت داخله مجهول و لاینحل مانده و هر روز که راپرت نگرانی بیشتر از آنجا
رسیده فوراً تفصیلی را در جواب این تلگراف اعلام دارید با استعداد موجوده و قدرت کاملی
که دولت بجناب عالی داده است و آن اطمینانی که بمراتب کفایت شما حاصل است خیلی مستبعد است که
در آنجا بی‌نظمی و بروز اغتشاش شده علیهذا در صورتیکه این شایعات مقرون بصحت باشد مصدر
شرارت و منشاء فساد را معلوم دارید اگر استعداد حاضرهٔ آنجا کفایت از جلوگیری این
بی‌نظمیها نمیکند اطلاع بدهید تا بقدر لزوم استعداد کافی از مرکز اعزام شود

از طرف رئیس‌الوزراء بوزارت داخله

وزارت جلیلهٔ داخله

با موقع اهمیت ایالت خراسان و لزوم نظم و آرامش آن چندیست که حکومت آنجا منفصل و احضار
هم گردیده است هنوز از طرف آن وزارت جلیله برای آن سامان حاکمی تعیین و انتخاب نشده رشتهٔ
انتظامات آنجا از هم گسیخته و از هر گوشه صدا بلند است اشرار آن صفحات موقع را غنیمت شمرده بنای شرارت

۱ـ خبردار کردن   ۲ـ سختی

درسمت را از اهالی نموده مبلغی اشتهار از بریع داخله و خارجه و نشانهای مختلفه گشته و نگرانی از شکایات فوق
العاده میرسد چنانکه از سفارت جلیله دولت بهیه روسیه به شرحی راجع بوم [illegible] اعلام آنکه دو سلب امنیت ایالات
نموده‌اند از اوضاع حاضره آنجا به وزارت امور خارجه رسیده که امروز در هیئت وزرا اعلام
با حضور جناب مستطاب عالی قرائت شد بفوریت لازم است حکومت آنجا تعیین و مدتی تأخیر
و فوت فرصت که موجب شده هرچه زودتر اهتمام و اقدام در اعاده انتظام و امنیت آنجا
نماید البته به اینکه تأخیر در این امر اولیای دولت را دچار بعضی مشکلات پیشبینی خواهد کرد که موجب اصلاح
آن خیلی سخت و صعب خواهد شد در این صورت در ظرف این دو روزه حتماً حکومت آنجا را معین
معرفی فرمائید که در کمال استعجال عزیمت نماید و در تهیه لوازم و مهمات حکومتی هم که لازم است مساعدت را
بعمل بیاورید که تأخیری در حرکت او حاصل نشود

از طرف وزارت داخله به وزارت مالیه

وزارت جلیله مالیه

شرحی ملاکین قزوین راجع به جمع آفات و تعدیات فوق العاده امین مالیه آنجا به وزارت داخله اظهار

۱- پی در پی ۲- جمع وسیله ۳- طلب تغییر ۴- زیادی

ورزیده‌اند عده بسیاری تظلم نموده‌اند که مواد آن جزو فقرات ملاحظه آن وزارت جلیله میگذرد لازم است مقرر
فرمائید در این خصوص جداً به اندازه‌ای که [illegible] رفتار امین مالیه مسبوق شده‌اند رسیدگی
مفتش امین صدیقی منتخب و اعزام نمائید که در آنجا رسیدگی باحوال امین مالیه کرده صحت و سقم
اظهارات متظلمین را بتحقیق مکشوف دارد و تا هر اندازه مقتضی است در رفع شکایات متظلمین داد و دهد

از طرف وزارت داخله به وزارت عدلیه

وزارت جلیله عدلیه

آقای صدیق السلطان شرحی در خصوص احمدآباد ملکی منتقله خود که محمدحسن کلانتر جوشقان غصباً من غیر
حق تصرف و تصاحب نموده به وزارت داخله شکایت کرده است چون این مطلب مربوط بحقوق
و راجع بمرجع تظلمات عمومی است عین مشروحه معزی‌الیه را لفاً ایفاد داشت از وزارت داخله تحریر خواهد گرفت
مقرر فرمائید بطوری که مقتضی است شرحی از آن وزارتخانه جلیله در جواب معزی‌الیه نگارش دهند و نیز
بامین عدلیه کاشان بنویسند که در اظهارات او موافق قوانین موضوعه عدلیه رسیدگی و اقدام لازم
در احقاق حق او نموده نتیجه را اطلاع دهند چون صدیق السلطان از طرف وزارت داخله مأمور

۱- نوخوستش ۲- چیزی را بزور در جیب زدن

کرمان است و معجلاً باید برود و به یوسف در شرح عمل او با مدعی خود با امین عدلیهٔ کاشان تا آنکه خواهد آمد
فرمود که این امر را ابتداءً تأخیر نیندازد که مأموریت مشارالیه بکرمان فوریت دارد و اقامت
مشارالیه در کاشان فقط برای اختتام این امر است

مراسلهٔ وزارت خارجه بکارگزار اصفهان

جناب آقای میرزا نصرالله خان کارگزار مهام خارجه دام مجده   از قراریکه آقای حاج میرزا عبدالکریم
تاجر اصفهانی تظلم نموده مبالغی بموجب اسناد از خواجه داود مسیحی تبعهٔ دولت بهیهٔ روس طلبکار است
مشارالیه در ادای دین خود ببعض معاذیر غیر موجه متشبث و متعذر[1] شده است و از قرار مذکور گویا
از طرف قونسولگری روس نسبت باو حمایت و مساعدتی میشود و این استظهار[4] اسباب تجری[3] خواجه
داود شده بهیچ شکلی اقدام در تأدیهٔ بدهی خود نمینماید لازم است با مداخلت حکومت جلیله مجلسی
تشکیل بدهید مرکب از نمایندهٔ قونسولگری و نمایندهٔ حکومت و چند تن از اشخاص بیغرض محترم
الکلام بعنوان هیئت منصفه و معتمدین را انتخاب و حضار مطالب و اسناد طرفین رسیدگی و موافق
موازین شرعیه و قوانین عرفیه تحقیقات لازمه بعمل آورده و رأی قطعی مجلس را ممهوراً اخذ کرده

۱- عذر کردن   ۲- گره   ۳- جنگ زننده   ۴- پشت گرمی

صورت مجلس را بوزارت امور خارجه ارسال دارید تا در صورت ثبوت حکم مستلزم حقانیت
اسکات طرفین باشد مبادرت و از همان قرار معمول و مجری شود

حکم تلگرافی وزارت جنگ

ریاست سوار   البته از حرکات خودسرانه بیرویه و شرارت بعضی از اشرار اکراد در حدود
آذربایجان مطلع و مستحضر شده ولی چون تادیب[1] و تنبیه اشرار و حصول امنیت و انتظام آنحدود
لازم و فوری است بوصول این حکم تلگرافی دویست نفر سوار رشید کافی با یکنفر سرکرده لایق
از سوارهای جمعی خودتان منتخب و بفوریت بآذربایجان اعزام دارید که موافق تعلیمات آقای سردار معظم
رئیس قشون باجرای خدمات دولت اقدام نمایند وصول تلگراف سوار را عاجلاً اعلام[2] دارید

مراسلهٔ وزارت داخله بوزارت مالیه

موقع اهمیت و سرعت حصول انتظام آذربایجان با مسبوقیت و استحضار آنوزارت جلیله محتاج به تشریح و توضیح
نیست در هیئت محترم وزراء عظام پس از مذاکره که در امر آذربایجان شد آراء متحد[3] بر این استقرار یافت
که بفوریت یکعده قشون و استعداد کافی اعزام شود از طرف وزارت جلیله جنگ اقدامات لازمه

۱- ادب کردن   ۲- معلوم داشتن   ۳- یکی شدن

در اعزام قشون از مرکز تأخیر شده است و ورقه درخواست حقوق یکماهه قشون مأمور و تدارک لوازم مأموریت
آنها نیز صادر گردیده است لازم است در تسریع ایصال آن از طرف آن وزارت جلیله بخزانه داری کل
تأکید نمایند هرچه زودتر این وجه را رسانده دارند که تأخیری در حرکت قشون حاصل نشود و موجب زحمت
اولیای امور نگردد بدیهی است آن وزارت جلیله رعایت اهمیت موقع را ملحوظ داشته مقرر فرمایند در ظرف
امروز و فردا اقدام در تأدیه و پرداخت ورقه درخواست حقوق قشون مأمور شود

مراسله وزارت مالیه بخزانه داری

آقای خزانه دار کل

البته از لزوم اعزام اردو به آذربایجان مسبوقیت حاصل نموده اید در تسریع حرکت قشون از طرف
هیئت محترم وزرا و رئیس الوزراء عظام تأکید بلیغ شده است وزارت جنگ هم قشون مأمور را معین و حاضر
و مصمم برای حرکت نموده فقط معطلی آنها برای تأدیه حقوق یکماهه و بعضی لوازم مسافرت است ورقه درخواست
آن صادر و ملاحظه شده(۱) لازم است بفوریت بدون بحث و ایراد و تبادل(۳) مکاتبات ادای(۲)
این وجه را بهر طرحی هست مقدم داشته عاجلاً بپردازید که هرچه زودتر اردو حرکت نماید

۱- ملاحظه شده ۲- ادا کردن ۳- رد و بدل

مراسله از طرف وزارت داخله

حکومت جلیله اصفهان

مراتب راپرتی که از پیشکاری مالیه اصفهان باداره خزانه داری کل رسیده و بوسیله وزارت جلیله
مالیه بوزارت جلیله داخله اظهار شده است با اینکه سال نزدیک بآخر است هنوز مالیات بعضی از بلوکات
اصفهان بحیطه وصول نرسیده و در هر یک از بلوکات که مأمور مخصوص اداره مالیه برای وصول مالیات
رفته مؤدیان متشبث ببعضی معاذیر(۱) غیر موجه شده مأمور را از نیل مقصود ممانعت کرده اند و از طرف
حکومت هم با اینکه چندین مرتبه قضیه به پیشکار مالیه اظهار نموده و تقاضای مساعدت و تقویت کرده است
مساعدتی نشده و مالیات دیوان لاوصول مانده است این مسئله حقیقةً موجب تحیر و تعجب گردید زیرا که با استحضار
و اقتداری که دولت بحکومت داده است یکی از وظایف لازمه خود را رعایت ننموده
البته میدانید از جمله تکالیف واجبه حکومت وصول مالیات دیوانی است حتی الامکان
لازم است سعی و مراقبت نماید و نگذارد دیناری وجه از نقد و جنس مالیات دیوان در محل لاوصول بماند
آن حکومت جلیله با اطلاعاتی که از امور دولتی و قواعد و قوانین حکومتی دارید هیچ دلیل و جهی ندارد که از وظایف

۱- جمع عذر ۲- رسیدن

واجبه خود منحرف و راضی میشوند که مالیات دولت در مقابل داده و اگر حقیقةً مطلب غیر از این است و این

راپرت فقط غرض است توضیحاً مکشوف دارید و هرگاه این راپرت مبنی بر صدق و حقیقت بود

در بابی در تکذیب آن برآرید با معذرت از قصور ایشان و ضعف این حکومت علی الخصوص هرگونه

مساعدت و تقویتی که از برای وصول مالیات ایالتی لازم است معمول دارید که عاجلاً مال

دولت وصول شود ضمناً بعد هم از مساعدت در پیشرفت امور کلیه مأمورین دولتی مضایقت ننموده

وازتکالیف واجبه خودتان انحراف نورزید

از طرف وزارت جنگ بوزارت داخله

راپورت مشعر به راجع بردم مستعد از برای دفع اشرار و حصول امنیت و انتظام حدود

آذربایجان شرف وصول داده قطع نظر از اینکه در آنجا فعلاً یک عده قشون مستعد حاضر خدمت

موجود است و بریاست قشون آنجا هم از طرف وزارت جنگ تعلیمات لازمه در جلوگیری و مرافعه

با اشرار داده شده و کمیسیونی هم حکم شده که ابواب و مأموریت نفرات و سوارهای رشید با کمال جد و جهد خود

با کمیسیون کرده و جنگ دیده و آزموده فوراً بسمت آذربایجان عزم و اعزام دارند در چند روزی قبل از طرف

۱- گیج شدن ۲- دغا کردن ۳- روانه داشتن

ابواب ارتقاضای یک عده تفنگ و فشنگ بیشتر جدید شده بود معادل سیصد قبضه تفنگ ورندل

کوتاه و بلند و سه هزار عده فشنگ فرستاده شد مقصود این است که برای لوازم دارالسلطنه معطلی نداشته باشند و فوراً

و بفوریت بدون ایراد عذری بطرف مأموریت خود عزیمت خواهند نمود و جاری نوبت باشند نفر

سرباز فوج خلج هم از مرکز فرستاده میشود برای تهیه لوازم و مهمات و حقوق یک ماهه

لازم است که از طرف آن وزارت جلیله تحت اداره کل مالیه بشود که هرچه زودتر

وجه و رقه درخواست آنها را که در وزارت جنگ عاید شده است عابر دارد که عاجلاً

بدون معطلی و فوت فرصت بسمت مأموریت خود حرکت نمایند

(تنبیه)

چون مراسلات متبادله با خارجه خیلی ساده و خالی از حشو و زواید است با رعایت اختصار که

اصل مطلب و مقصود با دقت در این عقیلی و منطقی نوشته میشود یکی دو فقره مراسله

بعنوان نمونه در اینجا ذکر میشود که از مسئله دیگر و لغز رشادت با آنها بدست آید بایستی

در رویه اسناد در مکاتبات نمود

۱- غرور ۲- مرکز عبارت از دارالخلافه طهران است ۳- جمع ولایت ولایات

مراسله ایست که سفارتین روس و انگلیس بوزارت خارجه مینویسند

جناب مستطاب اجل اکرم افخم دوست استظهارا اکرم مکرما   در جواب مراسله مورخه ۵ ماه شهر فلان نمره ۱۲۵ جناب مستطاب عالی را امضاکنندگان ذیل وزراء مختار انگلیس و روس در باره دولت علیه ایران زحمت افزا شده خاطر مودت مظاهر را مستحضر میداریم که اولیای دولتین انگلیس و روس حاضرند تصدیق نمایند که اولیای دولت علیه از دیگران غیر دولتین حق دارند استقراض کنند ولی بشروط ذیل

اولاً عایدات گمرکی و مالیاتهای دیگر که ضامن قرض انگلیس و روس هستند نبایستی بهیچوجه من الوجوه مرهون معاملات ثانیه جدید شود

ثانیاً برای تمام قرض دولت ایران با انگلیس و روس باید قبلاً قرار رسمی مخصوصی داده شود با تعیین مقداری از عایدات سالیانه و وضع پرداخت آن قرض و نمودن مالیاتهای عایداتی که ضامن پرداخت اقساط آن خواهند بود   علاوه براین خاطر محترم جناب مستطاب عالی را قرین استحضار میداریم دولتین انگلیس و روس بهیچوجه در مقام تضییع معاملات مختلفه که تا بحال منابع

۱ــ دوستی   ۲ــ گرو گذاشته شده   ۳ــ ضایع کردن

دول دیگر در ایران نمی‌آیند لهذا نمیتوانند قبول کنند که امتیازی مخالف حقوق و منافع سیاسی یا نظامی دولتین مزبورتین باشد   با تابع دول خارجه دیگر داده شود موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینمایم   محل امضاء

مراسله وزارت امور خارجه بسفارت دولت فخیمه انگلیس

جناب جلالت و نبالت مآب فخامت و مناعت نصاب دوستان استظهارا مشفقا مکرما مهربانا

در جواب مراسله مورخه دهم شهر فلان ۱۳۳۱ مطابق ۲ ماه ژوئن ۱۹۱۲ که با امضای جناب . . . وزیر مختار دولت فخیمه و جناب جلالتمآب وزیر مختار دولت بهیه روس مشعر بر توضیحی که در جواب خاتمه مراسله محترمه مورخه ۲۲ شهر فلان مرقوم داشته بودند با نهایت احترام زحمت افزا است که دولت متبوعه دوستدار همواره حفظ ارتباط حسنه و مناسبات دوستانه تاریخی را که خوشبختانه مابین دولت علیه و دولت قوی شوکت انگلیس باقی و برقرار است مرعی و منظور داشته بی اندازه گرانبها و محترم میدارد و بدیهی است که بهیچگونه اقدامی برخلاف نزاکت و حسن مناسبات فیمابین مبادرت نخواهند کرد اگرچه

۱ــ برتر و عالی   ۲ــ واضح داشتن   ۳ــ رعایت شده

دولت علیه عثمانیه با تحصیل اعطاء امتیازات مذکوره را به اتباع خارجه برقرار نموده که ایشان نیز ترزون آنها را
برای خود در جمیع میدانها لکن خاطر نصفت مظاهر آن جناب جلالتمآب را باین نکته معطوف میداریم
که اولیای دولت علیه از رعایت حفظ استقلال و حقوق مستقله آزادی مملکت ناگزیرند و با ملاحظهٔ اینکه
از روی کمال حکمفرمائی همه وقت از طرف اولیای آن دولت فخیمه در عدم مداخله در امور
ایران و رعایت استقلال این دولت شده است نهایت اطمینان حاصل است که این عقیده حکمفرما و
پیوسته ثابت و برقرار بماند و اظهاری مخالف آن نبوده باشد نخواهند فرمود چون موضوع این رساله
از بحث در امور سیاسی و نوشتجات مراجعه بآن خارج است همین مرقومه را بعنوان نمونه
انتخاب نموده باقی را به مسلک منتقدین و ارسیس در مواقع خود واگذار میکنیم

کتبه الملک الخطاطین فی شهر رجب المرجب ۱۳۳۹

در مطبعه اقبال طبع گردید
بدستیاری آقا سید رضا

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

٨٠٨
ق٣٠
ر
٣٤٦٣
الف
١٣٠١